

## دین و تضاد اجتماعی در کردستان ایران: نیم‌قرن اخیر

(صفحات ۸۹ تا ۱۳۲)

DOR:20.1001.1.17358663.1400.16.49.4.8

نوع مقاله: پژوهشی

سید یاسین حسینی<sup>۱</sup> \* حسن محدثی گیلوایی<sup>۲</sup> \* محمد باقر تاج‌الدین<sup>۳</sup>

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۹

دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۴

### چکیده

تضاد در جوامع، مسئله‌ای فراگیر است که در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، علمی و دینی متجلی می‌شود. دین علی‌رغم آن که غالباً انسجام بخش است، اما نمی‌توان تضادهای مبتنی بر آن را انکار کرد. بر همین اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی تضادهای اجتماعی مبتنی بر دین در نیم‌قرن اخیر در استان کردستان است. رویکرد پژوهش کیفی بوده و از دو روش تاریخی که ابزار آن اسناد تاریخی شامل زندگی‌نامه‌ها، کتاب‌ها و روزنامه‌ها و تاریخ شفاهی که این بخش نیز مصاحبه با افراد مطلع در کردستان بوده است و روش قوم‌نگاری که محقق با دو شیوه‌ی مشاهده و گفت‌وگو درباره‌ی تجارب زیسته‌ی جامعه مورد مطالعه (افراد دین‌دار در فرقه‌های گوناگون مذهبی)، به کاوش تضادهای اجتماعی مرتبط با دین پرداخته است. یافته‌های حاصل از آن، از نظر جغرافیایی و توزیع تضادها در بین گروه‌های مختلف شناسایی شده است. هفت شیوه از تضادهای اجتماعی مبتنی بر دین در کردستان در قالب «دین به‌مثابه از بین‌برنده‌ی تضادها»، «دین به‌مثابه پوشاننده و پنهان‌کننده‌ی تضادها»، «دین به‌مثابه انعکاس‌دهنده و بازنمایی‌کننده‌ی تضادها»، «دین به‌مثابه تداوم‌بخش تضادها»، «دین به‌مثابه تقویت‌کننده و تشدیدکننده‌ی تضادها»، «دین به‌مثابه منیع و منشأ تضادهای اجتماعی» و «دین به‌مثابه تضعیف‌کننده‌ی تضادها» استخراج شده است. هر یک از تضادهای مذکور، گاهی بین افراد یا بین گروه‌های فکری با سلاقی متفاوت دینی یا گروه‌های مذهبی با گرایش فکری سکولار بوده است. گاهی این تضادها به‌صورت فکری و در قالب کشاکش در عقاید و گاهی این تضادها به‌صورت فیزیکی و نیروهای قهری نمایان شده است. همچنین گاهی این تضادها توسط دین، به‌صورت فرایندی و در بلندمدت تقویت یا تضعیف شده است و گاهی در کوتاه‌مدت و یا آنی بوده است.

**واژگان کلیدی:** تضاد اجتماعی، دین، کردستان، سکولاریسم، ایدئولوژی.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

hoseini.yasin7@yahoo.com

۲. استادیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

mohaddesi2011@gmail.com

۳. استادیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. mb\_tajeddin@yahoo.com

## ۱- بیان مسئله

تضاد در جوامع، مسئله‌ای فراگیر است که در تمام شئون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و علمی متجلی می‌شود. تاریخ بشر همواره شاهد تضاد و کشمکش بین سیاستمداران و مردم، طبقه‌ی اقتصادی بالا و پایین، قوی و ضعیف و... بوده است و آرزوی مصلحان اجتماعی همیشه این بوده است که این تضادها روزی از بین برود و بشر زندگی آرام و بدون تضاد را روی زمین تجربه کند. همه‌ی مکاتب فکری و عقیدتی براساس مبانی اعتقادی و اندیشه‌ای خود و نگاه ویژه‌ی خود به عالم هستی و به انسان، در مورد ماهیت و خاستگاه آن بحث کرده‌اند و راه‌حلهایی برای این مشکل پیشنهاد کرده‌اند و این در حالی است که خود این مکاتب، مبنای برخی از تضادهای دیگری نیز بوده‌اند. مثلاً مکتب مارکسیسم با تأکید بر جامعه‌ی بدون طبقه و حذف نهاد مالکیت خصوصی و عمومی کردن ابزار تولید، سعی در حل این وضعیت دارد و این در حالی است که طبقه‌ی پایین و بالا را در برابر هم قرار می‌دهد. ادیان نیز برای حل تضاد اجتماعی، سایر ادیان و مکاتب را به دین و اعتقادات موردپذیرش خود دعوت می‌کنند. بنابراین کسانی که اعتقادات و نگرششان را پذیرا نباشند ممکن است در تضاد با آنان قرار گیرند. نیروهای درون هر قلمرویی می‌کوشند از فعالیت و زیست اجتماعی قلمرو تعریف‌شده‌ی خود محافظت نمایند و با نیروهایی که حیات اجتماعی‌شان را در آن قلمرو به خطر می‌اندازند، یا مواضعشان را تهدید می‌کنند و خطری برای منافعشان محسوب می‌شوند، به مبارزه بپردازند. مثلاً در کردستان، با توجه به اینکه گروه‌های مذهبی زیادی (سلفی، مفتی زاده، تصوف نقشبندی، وهابی، شیعه و...) وجود دارند و هم‌چنین گروه‌های سکولار نیز رایج و تقویت‌شده‌اند (سراج‌زاده، قادرزاده و رحمانی، ۱۳۹۳: ۴؛ عظیمی و چلونگر، ۱۳۹۱: ۸۲). به نظر می‌رسد در چنین وضعیت مشابهی، دین به تضادهای اجتماعی زیادی دامن زده است و احتمالاً در آینده این تضادها بیشتر می‌شوند (مطلبی، ۱۳۹۵: ۱۰۵)، زیرا امروزه دسترسی آسان به اطلاعات فراوان از طریق رسانه‌های متفاوت باعث شده نسل نو در برابر منابع گوناگون فرهنگی به اشکال مختلف اجتماعی شود و تفاوت‌های فرهنگی و نگرشی در بین آنان نسبت به گذشته به شکل چشم‌گیری افزایش پیدا کند و با گسترش تکنولوژی، هر روز بر دامنه و وسعت آن افزوده می‌شود، به گونه‌ای که یکپارچگی فرهنگی و اجتماعی در میان این نسل به شدت در خطر خدشه‌دار شدن قرار دارد (یزدی، ۱۳۹۰: ۱۳).

مسئله پژوهش، از تجربه‌ی زیسته‌ی محققان ناشی می‌شود که کم‌وبیش با استان کردستان آشنایی دارند. گروه‌های مذهبی (اسلامی) مختلفی وجود دارند که هر یک از آن‌ها، سایرین را غیر اسلامی (کافر) می‌پندارد و همین تنوع زیاد، با خود تردید را پدید می‌آورد و یقین دینی را دچار نوعی فرسایش می‌کند و حیات دینی و اجتماعی را دچار اختلال و بی‌نظمی می‌کند. این یکی از تضادهای درون دینی است که در زندگی روزمره‌ی مردم استان کردستان مشهود است و پژوهش بقالی (۱۳۸۹: ۸۸) نیز آن را تأیید می‌کند که به‌عنوان مثال تقدیس خشونت و تحریف حقیقت در میان گروه فکری سلفی رایج و جایز می‌باشد. لذا برخی از ایده‌ها با چاشنی دین و مذهب در جامعه می‌تواند به کج روی یا بزهکاری مشروعیت ببخشد. از طرف دیگر، شکاف جدی بین گرایش‌های مذهبی با گرایش‌های غیرمذهبی، هم‌چنین شکاف قوم‌گرایانه یا فرقه‌گرایانه، باعث تضادهای مضاعفی در سطح اجتماعی شده است که به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی (در مطالب کانال‌ها، گروه‌ها و پیج‌ها) می‌توان آن را به‌صورت بارز دید. این در حالی است که باوجود این که، تاکنون پژوهش‌های زیادی در خصوص نقش دین در همبستگی، یکپارچگی و انسجام اجتماعی صورت گرفته است (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۶۱؛ عیوضی، ۱۳۸۶: ۱۴؛ غلامی، ۱۳۸۶: ۵۶) به وضعیت تضادهای اجتماعی مبتنی بر دین توجهی نشده است.

بنابراین در جامعه‌ی مورد مطالعه، یعنی کردستان، که از یک سو نتایج پژوهش‌ها حاکی از تنوع‌های مذهبی و عقیدتی در آن است و از سوی دیگر مبتنی بر تجربه‌ی زیسته‌ی محقق و هم‌چنین یافته‌های پژوهشی هم چون پژوهش بقالی (۱۳۸۹)، شاهد تنش و تضاد بین گروه‌های مذهبی و عقیدتی هستیم، بر همین اساس، این پرسش مطرح می‌شود که وضعیت تضاد اجتماعی مبتنی بر دین در کردستان طی نیم‌قرن اخیر<sup>۱</sup> چگونه است؟

<sup>۱</sup> دلیل انتخاب نیم‌قرن اخیر برای بررسی دین و تضاد اجتماعی، در این پژوهش این است که برای متبلور شدن پدیده‌های اجتماعی و تحقق بخشی از پیامدهای آن‌ها نمی‌توان زمان خیلی کوتاهی را در نظر گرفت و در واقع زمان قابل توجهی نیاز است تا پدیده‌های اجتماعی - تاریخی عناصر درونی و بالقوه‌شان را نشان دهند و بالفعل سازند، انتخاب زمان خیلی طولانی هم کار مطالعاتی را به دلیل زمان طولانی برای پژوهش دشوار می‌سازد به همین دلیل ما مثلاً دوره زمانی ۲۵ ساله یا یک قرن را در نظر نگرفته‌ایم اولی به حد کافی بلند نیست و دومی زمان قابل توجهی است و کار مطالعه دقیق و جزئی را دشوار می‌سازد ضمن اینکه انتخاب بازه‌ی زمانی نیم‌قرن به ما این مجال را می‌دهد که با مراجعه به افراد زنده بتوانیم ابعاد مختلف پدیده

## ۲- ادبیات پژوهش

### ۲-۱- ادبیات تجربی

ریمت و کیتترین<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که روابط بین مسیحیت و آمریکایی بودن حقیقی و داشتن نگرش منفی نسبت به مهاجران، پس از حوادث ۱۱ سپتامبر تشدید شده‌اند. این واقعیت که منبع این تهدید، تروریسم اسلامی رادیکال نام گرفته، تضاد بین ادیان را تشدید کرده است. نتایج پژوهش استورم<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) مبتنی بر داده‌های پیمایش اجتماع بین‌المللی ۲۰۰۸ در بریتانیای کبیر، هلند، دانمارک و ایرلند نیز نشان می‌دهد که هویت‌یابی مسیحی، رابطه‌ی مثبتی با دیدن مهاجرت به‌عنوان تهدیدی برای هویت ملی داشت، اما به کلیسا رفتن رابطه‌ی منفی‌ای با نگرش‌های ضد مهاجرتی داشت. همسو با پژوهش‌های مذکور، ریچلر<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) در پژوهشی به این نتیجه می‌رسد که سازمان‌های مذهبی تأثیر عمده‌ای در درگیری‌های بین اجتماعی و بین‌المللی دارند. عیوضی (۱۳۸۶) نیز در پژوهشی مطرح می‌کند که یکی از مشکلات بزرگ و اساسی جامعه و نظام ما در همین جا نهفته است که اصل اساسی اسلام (اصل اتحاد) در جامعه ما به فراموشی سپرده شده و جای خود را به خصومت، تحریک حساسیت‌های سیاسی و قومی و ایجاد لجاجت‌ها و به راه انداختن جنگ، خشونت، نفرت و غلظت داده است. اما در مقابل این رویکرد، یولمان و ایونگک<sup>۳</sup> (۲۰۱۷) به این نتیجه رسیدند که ابتکارات مختلف صلح و سازش با هدف پرداختن به موضوعاتی که شامل روابط بین ادیان یا درون جامعه‌ای و همزیستی مسالمت‌آمیز بین جوامع مذهبی در میانمار است، وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش لگر<sup>۳</sup> (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که دین از عناصر اصلی و عمده‌ی یکپارچگی و گسترده‌گی عمل متقابل اعضای جامعه و گروه با یکدیگر است. هرچه اعتقاد یک جامعه و گروه مذهبی نیرومندتر باشد، آن مجموعه یکپارچه‌تر است. در همین راستا نتایج تحقیق ویلیام (۲۰۱۶) در کشور نیجریه نشان داد اسلام، قوی‌ترین هویت را برای هر دو گروه فراهم می‌کرد و از سوی ۸۸ درصد از پاسخگویان به‌عنوان

اجتماعی موردنظر را موردبررسی قرار دهیم و داده‌های مناسبی را برای تحلیل پدیده فراهم سازیم.

1. Wrigmt & Citrin

2. Storm

3. Leger

اولین عامل هویت‌بخش انتخاب شد. غلامی (۱۳۸۶) در پژوهشی به این نتیجه می‌رسد که وحدت و انسجام در عصر حاضر مرهم زخم‌های کهنه جهان اسلام است و اگر مسلمانان خواهان بازگشت به عصر طلایی خود می‌باشند و علاقه‌مند مرجعیت علمی در جهان هستند باید احساس یکی بودن را در خود ایجاد، تقویت و فراگیر نمایند. نتایج پژوهش بهجتی‌اصل، حیدری و موحد (۱۳۹۳) نیز نشان می‌دهد که رابطه‌ی هویت قومی و ملی مثبت بوده و ابعاد چهارگانه‌ی دین‌داری، به‌ویژه ابعاد اعتقادی و عاطفی آن، همبستگی مثبت و مستقیمی با هویت ملی پاسخگویان داشته‌اند. بر اساس تحقیق حافظ‌نیا و کاویانی (۱۳۸۵) بلوچ‌ها از نظر آداب، رسوم و هنجارها به‌شدت متأثر از دین اسلام هستند و یکی از مهم‌ترین اشتراکات بلوچ‌ها با بقیه‌ی مردم ایران، اشتراک دینی است. تفاوت مذهبی بلوچ‌ها باعث شده آن‌ها در طول تاریخ در حاشیه‌ی حیات سیاسی قرار بگیرند.

به‌طور کلی، در داخل کشور پژوهش‌های مذکور به تضادهای مبتنی بر دین توجهی نداشته‌اند، ولی با وجود آنکه در خارج از کشور توجه زیادی به آن شده است ولی غالباً مبتنی بر یافته‌های کمی - پیمایشی و مبتنی بر تحلیل همبستگی یا رگرسیونی بوده‌اند. همچنین پژوهش‌های مذکور از لحاظ جامعه‌مورد مطالعه، متمایز از پژوهش حاضر است. این پژوهش بر کردستان متمرکز است و از لحاظ فرهنگی، اقتصادی، مذهبی و... متمایز از پژوهش‌های مذکور می‌باشد.

اما محدثی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای به رویکردهای مختلف به دین (عامل انسجام‌بخشی یا تضاد) پرداخته است که به نظر می‌رسد بیشترین ارتباط با پژوهش حاضر دارد، ولی پژوهش محدثی در سطح نظری باقی مانده است و مبتنی بر یافته‌های تجربی نیست، در این پژوهش سعی می‌شود وضعیت انسجام یا تضادهای مبتنی بر دین در کردستان بررسی شود تا سنخ‌های اجتماعی مبتنی بر دین شناسایی شود. پژوهش محدثی این سنخ‌ها را در قالب شش دیدگاه متمایز بیان می‌کند:

۱) دین به‌مثابه از بین‌برنده‌ی تضادهای اجتماعی: در دیدگاه جامعه‌شناسان هم‌آهنگی‌محور (نظیر جامعه‌شناسان کارکردگرا) چنین رویکردی به دین وجود دارد که بر روی نقش پیونددهندگی دین تمرکز می‌کنند و معمولاً با نگاه مثبت به دین نگرینسته می‌شود (فورشت و رپستاد: ۱۳۹۴، ۴۶۰-۴۵۹).

۲) دین به مثابه پوشاننده و پنهان کننده تضادهای اجتماعی: در این رویکرد بیش تر دین را پنهان کننده تضادهای اجتماعی بنیادی؛ و آن را به مثابه ایدئولوژی مشروعیت بخش وضع موجود تلقی می کنند (تامسون و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۹). در واقع در آثار مارکس و برخی مارکسیست ها چنین برداشتی ارائه شده است.

۳) دین به مثابه انعکاس دهنده و بازنمایی کننده تضادهای اجتماعی: در این رویکرد تضادهای اجتماعی در درون نیروها و سازمان های دینی بروز می یابند و آشکار می شوند. به این معنی که تضادهای اجتماعی فرادینی اند و در لایه ها و سطوح مختلف جهان اجتماعی رخ می نمایند و سازمان ها و نیروهای دینی نیز در پاره ای موارد این تضادها را آشکار سازی می کنند (فورشت و ریستاد: ۱۳۹۴، ۴۶۰-۴۵۹).

۴) دین به مثابه تداوم بخش تضادهای اجتماعی: در این دیدگاه، دین در نقش تداوم تضادهای اجتماعی قرار می گیرد؛ یعنی دین می تواند از طریق برخی سازوکارها سبب حفظ و تداوم تضادهای اجتماعی شود (فورشت و ریستاد، ۱۳۹۴: ۴۶۷).

۵) دین به مثابه تقویت کننده و تشدید کننده تضادهای اجتماعی: در این دیدگاه هر چند دین الزاماً و همیشه منشأ و منبع تضاد نیست، ولی در نقش تقویت کننده تضادهای اجتماعی دیده می شود یعنی دین نقش خاص خود را در تقویت تضادها ایفا می کند و به تضاد اجتماعی موجود، ابعاد و دامنه ی جدیدی می بخشد و بدان ها عمق می دهد (فورشت و ریستاد، ۱۳۹۴: ۴۹۱-۴۹۲).

۶) دین به مثابه منبع و منشأ تضادهای اجتماعی: این دیدگاه، دین منبع و منشأ انواع تضادهای اجتماعی است. دین به صورت های مختلف باعث خلق تضادها می شود و منشأ و منبع تضاد نیست (فورشت و ریستاد، ۱۳۹۴: ۴۶۸).

## ۲-۲- ادبیات نظری

تضاد اجتماعی: از واژه ی Conflict از ریشه Configure به معنای برخورد کردن و مبارزه کردن گرفته شده است. هرگاه دو یا چند نفر یا گروه به جهت تخالف در اندیشه و منافع، در حل تعارض آشکار و عدم توافق آمیخته با خشونت قرار گیرند، تضاد نامیده می شود (بیرو، ۱۳۹۲: ۶۲). ماکس وبر (۱۳۸۴: ۲۰۷) معتقد است زمانی یک رابطه اجتماعی تضاد آمیز نامیده می شود که کنش های صورت گرفته در آن عملاً در جهت پیشبرد خواست یک فرد به رغم مقاومت دیگری یا دیگران باشد. او دامنه تضاد اجتماعی را از

رقابت کاملاً سازمان‌یافته تا جنگی تمام‌عیار می‌داند. به‌زعم برلسون و استینر<sup>۱</sup>، «تضاد عبارت است از دنبال کردن اهداف تضادآمیز و ناسازگار یا حداقل ظاهراً ناسازگار، به طوری که دستیابی یکی از طرفین به بهای از دست رفتن منافع طرف دیگر باشد» (به نقل از مسعودی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۴-۱۳۵).

دین: «دین عبارت است از احساس، اعمال و تجربه‌های افراد هنگام تنهایی، آنگاه که خود را در برابر هر آنچه الهی می‌نامند» (رایشباخ<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸). در نزد کانت (۱۳۹۵: ۱۵۳)، «دین عبارت است از شناخت تکالیف ما به‌عنوان احکام الهی». یکی از مفاهیم نزدیک به دین، «مذهب» است که به معنای طریقه و روش به معنای رأی و به معنای اعتقادی که بر اساس آن فعلی را انجام می‌دهند، آمده است (ربانی‌گلپایگانی، ۱۳۷۷: ۲۰) در اصطلاح ادیان به همین معنای اخیری یعنی معتقدی که بر اساس آن فعلی را انجام می‌دهند، مذهب گفته می‌شود. مذهب معمولاً کاربردش اخص از دین است؛ یعنی دین عام است و مذهب خاص (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۷۰). بر این اساس گاهی یک دین، دارای چند مذهب است؛ بنابراین بین دین و مذهب به اصطلاح معروف از نسب اریعه، عموم و خصوص مطلق است یعنی دین شامل مذهب می‌شود و عام است و مذهب جزء دین است و خاص می‌باشد. در این خصوص باید اذعان داشت که جامعه‌شناسان دین و مذهب را مترادف می‌دانند و چون دین دربرگیرنده مذهب است، از مذهب به‌عنوان فرقه‌های درون‌دینی و برون‌دینی سخن می‌گویند (همیلتون، ۱۳۹۵: ۲) و در پژوهش حاضر از دین به‌طور عام سخن گفته می‌شود.

درواقع، رویکردهای مختلف، تعاریف متفاوتی از دین ارائه داده‌اند که با مروری بر رویکردهای نظری، سه رویکرد درباره‌ی نقش و جایگاه دین در جامعه وجود دارد:

یک گروه نظریه‌پردازانی هم چون امیل دورکیم، مرتون و پاسونز را شامل می‌شود که نقش انسجام‌بخشی و حیات‌بخشی به دین می‌دهند، رسالت و کارکرد دین را نگرهبانی و محافظت از جامعه تعریف می‌کنند. در این رویکرد، دین به‌نظام اجتماعی کمک می‌کند تا ثبات و تعادلش را حفظ کند و همیشه در حمایت از حفظ تعادل هماهنگ درونی یک

<sup>۱</sup>. Bresson and Steiner

<sup>۲</sup>. Reichenbach

جامعه عمل می کند (مادورو<sup>۱</sup>، ۱۹۷۶: ۱۱۶). به عنوان مثال گیرتر (۱۹۷۳) در تعریف «دین» مبتنی بر این رویکرد می نویسد: «دین عبارت است از نظامی از نمادها که عمل می کند تا به وسیله فرموله کردن مفاهیم مربوط به نظم عام هستی و پوشاندن این مفاهیم با چنان هاله‌ای از واقعیت مندی که روحيات و انگیزه‌های انسان به طور منحصر به فردی واقعی به نظر رسد در انسان روحيات و انگیزه‌های قدرتمند، فراگیر و پایداری را به وجود می آورد» (به نقل از پالس، ۱۳۹۲: ۳۳۵). در واقع، از طریق مناسک دینی، یکپارچگی و انسجام اجتماعی ایجاد می شود، همچنان که دورکیم معتقد است که مناسک و مراسم دین برای کارکرد درست زندگی اخلاقی ما به همان اندازه ضروری اند که فرد برای زنده نگه داشتن زندگی جسمانی؛ تمام اهتمام خویش را به کار می گیرد؛ زیرا از طریق مناسک است که گروه خود را تأیید و حفظ می کند (همیلتون، ۱۳۸۷: ۳۰۲). بیشتر تحقیقاتی که در داخل کشور صورت گرفته است مبتنی بر روش کمی بوده است و همه‌ی آنان تأیید می کنند که دین در انسجام بخشی و یکپارچگی اجتماعی نقش مهم و اساسی دارد (تاتار و فتیحی، ۱۳۹۵: ۵۹؛ باغبان و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۰؛ Leger, 2013: 128).

در گروه مارکسیست‌ها وجود دارند که منتقد رویکرد گروه اول هستند. به نظر کارل مارکس، دین یکی از ایدئولوژی‌های سستی است که آگاهی انسان باید از آن فراغت یابد، زیرا که دین ره آورد تضاد طبقاتی است و در این نظام به تضاد طبقاتی دین سر بر می آورد، گاهی آه ستم‌دیدگان است و گاهی شمشیر ستمگران تا با آن به راحتی بر ستم‌دیدگان حکم برانند (کوهن، ۱۳۸۶: ۱۱۷). همچنین در همین منظر، دین در قداست بخشی و اهریمنی سازی نیروها، عناصر و پدیده‌ها نقش مهمی در تاریخ جوامع ایفا کرده است. هم چنین گاه شکاف‌های اجتماعی و شکاف‌های دینی هم پوشانی پیدا می کنند و پدیده‌ی تشدید و هم نوایی شکاف‌های اجتماعی (رزونانس شکاف‌ها) رخ می دهد (فورشت و رپستاد، ۱۳۹۴: ۴۹۲-۴۹۱). این گروه معتقد هستند که دین عدم همبستگی و تضادهای اجتماعی را نه تنها از بین نمی برد، بلکه آن را تشدید می کند، تداوم می بخشد و در عین حال به مثابه حجابی است که آن را می پوشاند و پنهان می کند (تامسون و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۹). در صورتی که آگاهی اجتماعی حاصل شود این تضادها و عدم یکپارچگی‌ها،

<sup>۱</sup>. Maduro



بارز و آشکار می‌شود. مانند زمانی که طبقه‌ی کارگر در نزد مارکس در «آگاهی از خود» به «آگاهی برای خود» می‌رسد. در این صورت منفعتی که دین برای گروهی داشته است نمایان و آشکار می‌شود و تضاد را بارز و آشکار می‌سازد.

رویکرد نظری سوم را می‌توان نظریه‌ی دیالکتیکی<sup>۱</sup> تضاد و توافق مبتنی بر دین نامید. در این رویکرد، متفکرانی همچون کوزر (Coser, 1957: 202) وجود تضاد و کشمکش را برای جوامع، دارای کارکردهای مثبت نیز می‌داند و معتقد است که کشمکش می‌تواند به تحکیم گروهی که از نظر ساختاری دچار ضعف است کمک کند. کشمکش با جامعه‌ای دیگر، می‌تواند باعث یکپارچگی جامعه دیگر شود. مثال بارز آن را کوزر در جنگ دیرینه یهودیان اسرائیل با ملت‌های عرب خاورمیانه می‌داند. به نظر زیمل کشمکش به‌عنوان عامل استوارکننده جامعه به‌ویژه در کشورهای عرب و جهان سوم که روحیه مشارکت اجتماعی و همبستگی در آن ضعیف است، کشمکش و نزاع باعث تقویت همبستگی و پیوند بین جوامع و ملت‌های عرب و مسلمان گردد. جالب است که زیمل معتقد است این نزاع و کشمکش فکری است که تبلیغگران از دیرباز آن را تشخیص داده‌اند و شاید یک دشمنی که اصلاً وجود ندارد را می‌سازند و سعی می‌نمایند آن را وسیله‌ای برای اتحاد جامعه و جوامع خویش سازند. از سوی دیگر نیز کوزر معتقد است که «کشمکش با یک گروه ممکن است از طریق یک‌رشته ائتلاف با گروه‌های دیگر، موجب انسجام شود. برای مثال کشمکش با اعراب به ائتلافی میان اسرائیل و آمریکا انجامیده است. چنانچه اگر کشمکش اعراب و اسرائیل تخفیف یابد، ممکن است پیوندهای قوی و خوبی میان اسرائیل و آمریکا از بین رود و گسسته شود» (ریتر، ۱۳۹۵: ۱۶۹). با این نظریه می‌توان چنین نتیجه گرفت که با وجود آمدن جنگ و نزاع در جامعه، همبستگی مذهبی و دینی بین افراد افزایش می‌یابد و هسته ازهم‌گسیخته جامعه را که فرضاً در حال فروپاشی است تحکیم می‌نماید (Dahrendorf, 1959: 78)

### ۳- روش پژوهش

رویکرد روش‌شناختی این پژوهش را می‌توان «برساخت‌گرایانه»<sup>۲</sup> دانست. در پارادایم برساخت‌گرایی، سعی بر این است که زندگی اجتماعی، بدون پیش‌فرض‌های

<sup>۱</sup> Dialectic

<sup>۲</sup> constructionism

اثبات گرایانه، به صورت نظری و تفسیری توضیح داده شود (Denzin and Lincoln, 2011: 12) هم چنین، روش یا راهبرد تحقیق برای پاسخ گویی به پرسش اصلی پژوهش، تاریخی به همراه قوم نگاری است که در بهار، تابستان و پاییز سال ۱۴۰۰ انجام شده است. (۱) روش تاریخی که ابزار آن اسناد و مدارک مانند کتاب، روزنامه ها و... و تاریخ شفاهی (مصاحبه با افراد مطلع) است. در روش تاریخی اسناد و متونی که به تضادهای مبتنی بر دین در عرصه اجتماعی می پردازند، مورد بررسی قرار می گیرند و متونی که تنها در خصوص توصیف مذهب خود یا سایر مذاهب و فرقه ها می پردازد، مبنای کار نیستند. تاریخ شفاهی منبعی برای اطلاعات و شکلی از پژوهش تاریخی است. محقق با استفاده از اظهارات شرکت کنندگانی که دارای تجارب دست اول در مورد تضادهای اجتماعی مبتنی بر دین هستند، گذشته نزدیک را مورد پژوهش قرار می دهد.

(۲) روش قوم نگاری که متضمن مطالعه ی موقعیت زندگی واقعی مردم است. با استفاده از این روش، محقق با دو شیوه ی مشاهده و گفت و گو درباره ی تجارب زیسته ی جامعه مورد مطالعه (افراد دین دار در فرقه های گوناگون مذهبی)، به کاوش درباره ی تضادهای اجتماعی مرتبط با دین می پردازد.

محققان سعی می کنند به درکی مستقیم و بی واسطه از مشارکت کنندگان (در جامعه مورد مطالعه) دست یابند که آنان در بافت یا موقعیتی معین گروه مذهبی خود و گروه های مخالف را تفسیر و تعبیر می کنند چون هر رفتاری با یک معنی ذهنی خاص هدایت می شود و این امر نیز برآمده از موقعیت مکانی خاص خودش است. در روش مشاهده، علاوه بر تفسیر و تعبیر آنان در یک موقعیت خاص، کنش و رفتار آنان در همان موقعیت مشاهده و ملاحظه می شود. همچنین برای مشاهده مبتنی بر قوم نگاری، محقق وارد عرصه هایی در جامعه ی مورد مطالعه می شود که تنش های مذهبی در آن بیشتر دیده می شود (از جمله جلسات<sup>۱</sup> و مراسم ها).

جامعه ی مورد مطالعه در این پژوهش، استان کردستان در نیم قرن اخیر است. از آنجایی که در روش تاریخی مبتنی بر اسناد و مدارک (مانند کتاب، روزنامه ها و...)

<sup>۱</sup> غالب این جلسات به صورت مباحثه یا مناظره ی دو گروه مذهبی متضاد نبوده است، بلکه رهبران و مطلعین گروه مذهبی برای پیروان خود در خصوص مسائل مذهبی و مخالفت ها و تضادهای خود با دیگر فرق سخن می گویند.

نمونه‌گیری وجود ندارد، باید تمامی اسناد و مدارک موجود در خصوص فرق و مذاهب کردستان (در دسترس پژوهشگران) مورد مطالعه قرار گیرد تا تضادهای اجتماعی آنان مشخص شود. با استفاده از تاریخ شفاهی، هر فرد سالخورده‌ای می‌تواند به‌عنوان نمونه قرار گیرد با این شرط که بتوان از طریق آن به شناسایی تضادها دست‌یافت. شیوه‌ی انتخاب این افراد بر اساس نمونه‌گیری گلوله برفی بوده است. به این معنی، ابتدا از چند نفر که پژوهشگران از اطلاعات و تجارب مذهبی در طول حیات وی مطمئن بودند مصاحبه شده است و سپس از فرد مذکور تقاضا شده است که چند نفر معرفی کند. این چرخه تداوم داشته است تا درنهایت بتوان به تضادهای مبتنی بر دین دست‌یافت.

نمونه‌گیری مبتنی بر روش قوم‌نگاری، به این صورت انجام شده است که محققان با شناسایی گروه‌های مختلف مذهبی، سعی در ورود به جلسات و مراسم‌های آنان داشته است. شیوه‌ی انتخاب این گروه‌ها مبتنی بر نمونه‌گیری هدفمند<sup>۱</sup> بوده است. در این نمونه‌گیری، انتخاب موارد (مثلاً فرق و گروه‌های مذهبی) به‌عنوان مصداق طبقه یا مقوله‌ای از موارد که موردعلاقه‌ی محقق است صورت می‌گیرد. یعنی آن‌ها به‌طور تصادفی انتخاب نمی‌شوند. لذا ابتدا اطلاعات دقیقی از آنان به‌دست آمده است و سپس سعی شده است مبتنی بر مشاهده‌ی مشارکتی در جلسات و مراسم‌های آنان حضور داشته باشد. درواقع، در انتخاب این فرق و گروه‌های مذهبی شرط تنوع رعایت شده است و تا مرحله‌ی اشباع نظری در جلسات هر یک از این فرق و گروه‌ها مشارکت شده است. براین‌اساس، در پژوهش حاضر، به‌منظور کسب داده‌های موردنیاز، از مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته با ۵۴ نفر، به شیوه گفت‌وگوی دوطرفه<sup>۲</sup> مبتنی بر زبان گُردی<sup>۳</sup> بهره گرفته شد. مصاحبه به شیوه روایی و اپیزودیک به مدت مصاحبه‌ها بین ۴۰ تا ۹۰ دقیقه متغیر بود؛ همچنین پژوهشگران در مباحث و مناظره‌های سه گروه مذهبی (سلفی، وهابی، مفتی‌زاده) شرکت فعال داشته‌اند. درواقع، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها چندین مرتبه گوش داده شد و

<sup>۱</sup>. purposive sampling

<sup>۲</sup>. conversational style

<sup>۳</sup>. پژوهشگر، خود گُردزبان است و به چندین دلیل، مصاحبه با زبان گُردی انجام شده است: اولاً بیشتر مردم این مناطق کم‌سواد هستند و غالباً با زبان فارسی آشنایی ندارند، ثانیاً پژوهشگر غیرگُرد را از کارکنان دولت تلقی می‌کنند و حاضر به همکاری نمی‌شوند و ثالثاً حتی در صورت همکاری با زبان فارسی، سعی می‌کردند محتاطانه از تجربه‌ها و ذهنیت‌های خود بگویند. محقق سعی کرده است با زبان بومی، رضایت آن‌ها را جلب کرده و وارد مصاحبه شود.

متن آن به صورت کلمه به کلمه نوشته شد. برای تحلیل داده‌ها، روش کلایزی<sup>۱</sup> به کار رفته است. این روش، شامل ۷ مرحله است. (۱) خواندن دقیق تمام توصیف‌ها و یافته‌های مهم شرکت‌کنندگان (۲) استخراج عبارت‌های مهم و جمله‌های مرتبط با پدیده (۳) مفهوم‌بخشی به جمله‌های مهم استخراج شده (۴) مرتب‌سازی توصیف‌های شرکت‌کنندگان و مفاهیم مشترک در دسته‌های خاص (۵) تبدیل تمام عقاید استنتاج شده به توصیف‌های جامع و کامل (۶) تبدیل توصیف‌های کامل پدیده به یک توصیف واقعی خلاصه و مختصر (۷) معتبرسازی نهایی.

گفتنی است که در معتبرسازی نهایی، از ملاک‌های اعتبار<sup>۲</sup>، و قابلیت اطمینان<sup>۳</sup> استفاده شد. برای بررسی اعتبار، اطلاعات هر مصاحبه پس از تحلیل، در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت و اصلاحات لازم براساس نظرات آن‌ها، اعمال شد.

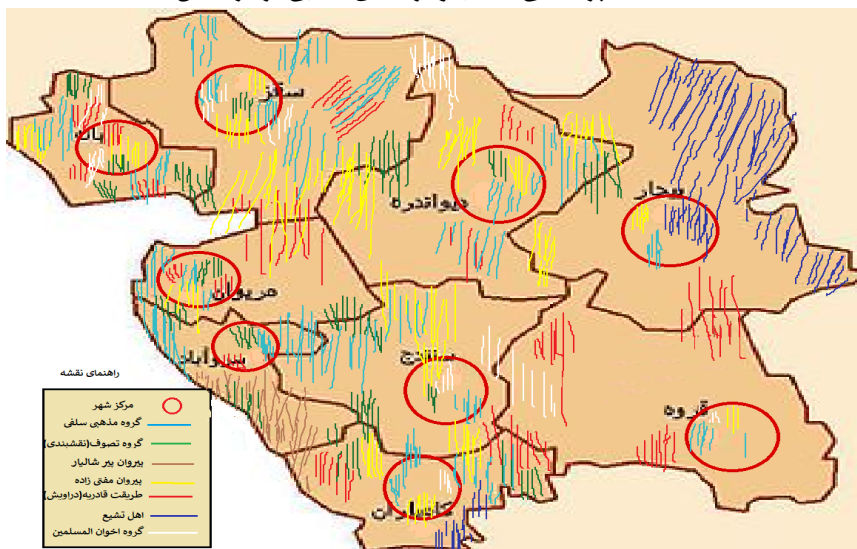
#### ۴- تحلیل

##### پراکنش تضادهای اجتماعی در کردستان

مردم کردستان در طول تاریخ، همواره مردمی مذهبی بوده‌اند و علاقه‌ی زیادی به تفکر در امور مذهبی، عرفانی و معنوی داشته‌اند. در میان مردم کردستان، پیروان ادیان و مذاهبی همچون اسلام، مسیحیت، یهودیت، تشیع امامی، تشیع علوی، نصیری، طریقه‌های عرفانی نقشبندیه، قادریه، حسین ابدال، بکتاشیه، اهل حق، کاکه‌ای و نیز پیروان آیین ایزدی با منشأ زرتشتی و مانوی و دیگر فرقه‌های شایع دیگر وجود دارد که به دلیل این ویژگی، به حق باید کردستان را «هند جهان اسلام» نامید (الیما، ۱۳۷۸: ۲۱؛ Nebez, 2014: 22-28).

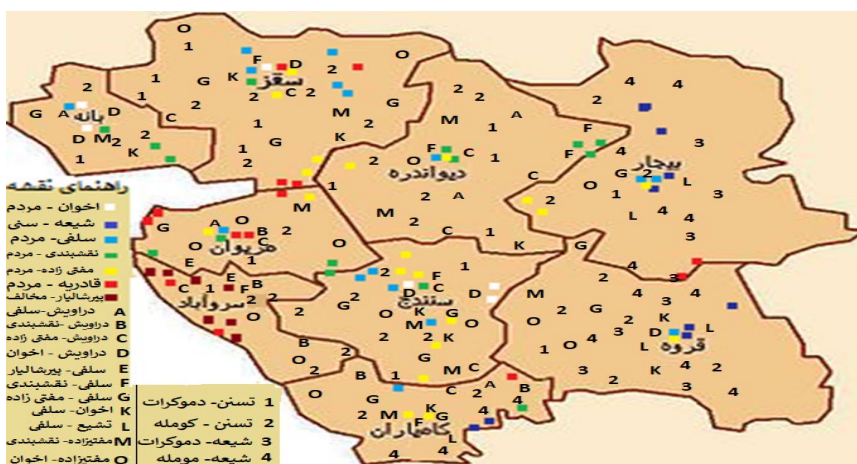
1. colaizzi  
2. credibility  
3. dependability

شکل (۱): پراکندگی مذاهب و فرقه‌های مذهبی در کردستان



منبع: برگرفته از داده‌های پژوهشی نگارندگان (محدثی، حسینی و تاج‌الدین، ۱۴۰۰)  
 در واقع بر مبنای آنچه از تفحص در مناطق کردستان در خصوص پراکندگی کردستان یافت شده است می‌توان گفت فرقه‌ها و گروه‌های مذهبی زیادی یافت می‌شود که به صورت شکل (۱)؛ وقوع جغرافیایی تضادهای اجتماعی مبتنی بر دین در کردستان توزیع شده است.

شکل (۲): پراکندگی تضادهای دینی در کردستان (با راهنمای نقشه)



منبع: برگرفته از داده‌های پژوهشی نگارندگان (محدثی، حسینی و تاج‌الدین، ۱۴۰۰)

شواهد و یافته‌ها به‌وضوح بیانگر آن است که در کردستان مذهب اهل تسنن رایج‌تر و دارای پیروان بیشتری است، هر چند در سه شهر قره، بیجار و تا حدودی کامیاران اهل تشیع نیز ساکن هستند. همچنین فرقه‌های مذهبی زیادی از جمله اخوان، گروه سلفی، اهل تصوف نقشبندی، اهل طریقت قادریه (دراویش)، پیروان کاک احمد مفتی‌زاده، حامیان و وفاداران پیرشالیار... در کردستان حضور دارند. ارضای این تنوع از سلاقی و علاقی مذهبی بدون شک در جامعه بدون کشمکش و تضاد امکان پذیر و مهیا نیست هر چند که هم می‌تواند انسجام بخش باشد و هم درعین حال می‌تواند انضباط و انسجام را در جامعه برهم بزند و حیات اجتماعی را مختل کند. این فرقه‌های اهل تسنن در بعضی از موارد با یکدیگر در تضاد هستند و در کردستان این تضادها در سطح فردی و گروهی و در قالب تهدید، توهین، تحقیر و دعوی فیزیکی مشاهده شده است. علاوه بر آن، این فرقه‌ها، با مردم و افرادی که به آنان وابستگی و دل‌بستگی فکری و روحی ندارند نیز در تضاد قرار دارند و تساهل دینی را در حق آنان روا نمی‌دارند. همچنین ردپای بسیاری از تضاد اجتماعی این فرقه‌ها با اهل تشیع در شهرهای قره، بیجار و کامیاران یافت شده است و در مرحله نهایی نیز می‌توان بیان کرد که این فرقه‌ها با احزاب و مردم سکولار در کردستان نیز در تضاد قرار گرفته‌اند. بنابراین این فرقه‌ها در کردستان با رویکردهای متنوع گرایش‌های دینی، موجب تضادهای اجتماعی زیادی شده‌اند. این تضادها در داخل فضای شهری بیشتر و هر چه به مناطق مرزی نزدیک‌تر شویم این تضادها کم‌تر و ملایم‌تر است.

#### ۱- دین به‌مثابه از بین برنده‌ی تضادهای اجتماعی

در این رویکرد، از بین بردن تضادهای اجتماعی ممکن است به گونه‌های مختلف باشد:

جدول (۱): خصلت نابودکننده تضادهای اجتماعی

ابعاد	خصلت نابودکننده	
مدت‌زمان نابودکننده	نابودکننده پیشینی	نابودکننده پسینی
تعدد عوامل	تک عاملی (دینی)	چندعاملی
قدرت نابودکننده	کوتاه‌مدت	بلندمدت

#### ۱-۱) از لحاظ زمانی

##### الف) دین به‌مثابه نابودکننده‌ی پیشینی:

خصلت نابودکننده‌ی تضادهای اجتماعی توسط دین در این بخش نمایان و مشهود است

و این نوع از نابودکننده‌های تضاد اجتماعی مبتنی بر دین هستند. انسان‌ها در وضعیت طبیعی دارای رابطه تضادآمیز هستند و به محض ایجاد این تضادها، دین با آن‌ها مقابله می‌کند. ناوات اردلان یکی از مصاحبه‌شوندگان روستای نگل مریوان (مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۱۸)، روایتی از تضادهای آنی که دین نابودکننده‌ی آن بوده است اشاره می‌کند:

تا وقتی قرآن تاریخی<sup>۱</sup> در روستا است مردم با خیال راحت و آرامش قلبی زندگی را می‌گذرانند ولی وقتی قرآن را از روستای ما دزدیدند دیگر تنش و درگیری‌های کلامی و حتی فیزیکی در روستا به وجود آمد، انگار قرآن و حضور و بودنش در روستا از روح جامعه‌ی ما نگهبانی و محافظت می‌کرد.

آنچه از روایت مصاحبه‌شونده تا اینجا مشهود است، بسیاری از اختلافات و ناامیدی‌های روستائیان بر مبنای این قرآن (نگل) حل و فصل می‌شد، مردم امیدوار بودند. یعنی قرآن پیش از وجود و ظهور اختلافات و تضادهای اجتماعی موجود است و اجازه بروز اختلاف و کشمکش را نمی‌دهد و به محض بروز اختلاف در بین آنان میانجیگری می‌کند به این معنی به گفته مصاحبه‌شونده، به محض دعوا یا اختلاف، یا بر مبنای قسم به قرآن مذکور اختلاف حل می‌شد یا محول به این قرآن می‌شد و دیگر اختلافی نبود.

### ب) دین به‌مثابه نابودکننده‌ی پسینی:

در این بخش به نوعی از پیامد و کارکردهای دین در راستای زدودن تضادهای اجتماعی پرداخته می‌شود که در برهه‌ای از زمان ایجادشده است. ممکن است این نابودکننده شکل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، محیطی و... داشته باشد ولی تفسیر مذهبی به آن داده شده است و این تفسیر مذهبی، در قالب نابودکننده‌ی تضادهای اجتماعی خوانش شده است. مثلاً مراسم تعزیه ماموستا عبدالکریم مدرس<sup>۲</sup> در یکی از مساجد مریوان که به درگیری

۱. قرآن نگل، قدیمی‌ترین قرآن تاریخ ایران و یکی از چهار قرآن قدیمی جهان است که با خط کوفی بر کاغذ ضخیم و قهوه‌ای‌رنگی نوشته شده است و به علت تشابهش با پوست، در بین مردم به «پوست آهو» شهرت یافته است. قرآن تاریخی نگل در سال ۱۳۸۲ به شماره ۲ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده و سالانه پذیرای تعداد زیادی از دوستداران به این کتاب الهی و گردشگران داخلی و خارجی است. سبک و شیوه نگارش قرآن مربوط به سده چهارم هجری است، اما مردم روستا آن را به عثمان بن عفان خلیفه‌ی سوم نسبت می‌دهند.

۲. ماموستا عبدالکریم مدرس (۱۹۰۵- درگذشت ۳۰ اوت ۲۰۰۵) با تخلص شعری نامی، فقیه، مفسر، محقق، مترجم و شاعر معاصر گُرد است.

منجر شد که در نهایت با تفسیرهای دینی و خوانش‌های دینی، به آشتی و سازش منجر شد و تضاد از بین رفت، چنانچه روایتی از مصاحبه شماره ۱۵ توسط نچيروان بیان شد:

با درگذشت ماموستا عبدالکریم مدرس، مراسمی بزرگی برای عزاداری ایشان برگزار شد، گروهی وارد مراسم شدند و علیه وی حرف زدند و منجر به درگیری شد که در همین زمان پر از آشوب با وساطت یکی از بزرگان مبنی بر اینکه در قرآن کریم بیان شده است که مسلمانان باید از شیطان دوری کنند و از تنش با یکدیگر بگریزند و پرهیزند... همین رویکرد و نگاه دینی به مرور تنش‌ها و اختلاف‌ها را از بین برد چون رفتار جامعه در این موقعیت با یک معنی ذهنی خاص برگرفته از دین هدایت می‌شود و لذا رسالت و کارکرد دین در این بخش به وضوح قابل شناسایی است.

#### ۱-۲) تضادهای اجتماعی نابودشده از لحاظ تعدد عوامل

گاهی ممکن است تضاد اجتماعی تنها از طریق دین حل شود و گاهی ممکن است علاوه بر دین از طرق مختلف دیگری همچون دستگاه‌های قضایی و... از بین برود.

##### الف) نابودکننده‌ی تک علتی

در اینجا تنها بر تضادهایی تأکید می‌شود که توسط دین یا از مجرای شرعی دین از بین برده می‌شوند، یعنی دین شرط لازم و شرط کافی برای از بین بردن تضاد اجتماعی محسوب می‌گردد. ناوات اردلان یکی از مصاحبه‌شوندگان روستای نگل مریوان که پیش‌تر ذکر شد، روایتی از تضادهایی که دین به‌عنوان تنها عامل نابودکننده‌ی آن بوده است، اشاره می‌کند. وی می‌گوید که سرقت قرآن نگل باعث اختلاف و درگیری‌های زیادی بین اهالی روستا و حتی روستاهای اطراف شد، درگیری‌ها ادامه داشت و حتی بسیاری از بزرگان و رجال سیاسی و مدنی برای پایان‌دادن به نزاع از روستاهای مریوان و شهر مریوان و سنندج به روستا آمدند ولی این نزاع و درگیری پایانی نداشت تا اینکه قرآن سرقت رفته پیدا شد و به روستا برگردانده شد و تمامی تناقضات فکری و تناقضات و تعارضات اجتماعی از بین رفت.

##### ب) نابودکننده‌ی چند علتی

گاهی تضادهایی وجود دارند که تنها دین برای حل آنان کافی به نظر نمی‌رسد، اما دین به‌عنوان علتی برای نابودی آن لازم است. یعنی دین شرط لازم است ولی کافی نیست. مانند عملیاتی که داعش (بیشتر آن‌ها کردستانی بودند) در سال ۱۳۹۶ انجام داد که در دو



عملیات تروریستی در مجلس شورای اسلامی و نیز مقبره بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، امام خمینی صورت داد و شکست خورد<sup>۱</sup>. مشخص بود که تضاد آنان با مذهب تشیع و یا حکومت مرکزی بود که دو مکان مهم حکومتی را مورد توجه قرار داده بودند، ولی این تضاد در کمتر از نیم روز خاتمه یافت. هر چند شکل این تضاد به نابودی یک طرف منجر شد ولی این تضاد دیگر بروز و ظهور نیافت. در واقع تأثیر دو عامل نیروهای نظامی و مذهب در نابودی آنان حائز اهمیت است، از یکسو دفاع از مذهب رسمی و دفاع مذهبی‌ها از مذهب خود در نابودی آنان حائز اهمیت بود و از سوی دیگر، نیروهای امنیتی و نظامی در نابودی آنان نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند.

### ۱-۳) دین به‌عنوان قدرت نابودکننده‌ی تضادهای اجتماعی

در اینجا به دو صورت از دین به‌عنوان نابودکننده‌ی تضادهای اجتماعی پرداخته می‌شود. صورت اول از این نگاه مواردی هستند که به‌محض بروز تضادهای اجتماعی، در مقابله با آنان قرار می‌گیرند و در کوتاه‌ترین زمان آنان را نابود می‌کنند. صورت دوم مقابله دین با تضادها چندین دهه و گاهی چندین قرن طول کشیده است تا این تضادهای اجتماعی را نابود کند.

#### الف) نابودکننده‌ی بلندمدت

گاهی تضادهای اجتماعی بسیار مقاوم و ماندگارند و یا حتی اگر مقاوم نباشند از آنجایی که ابزار مقاومتی برای حذف آن ضعیف عمل می‌کند که در حذف این تضاد، مدتی آن را ماندگار می‌کند. یکی از مثال‌های مهم تضادهای بین ناسیونالیسم ایرانی با ناسیونالیسم کردی بود که بیش از نیم‌قرن در مقابل همدیگر قرار گرفتند، از اوایل انقلاب با تأکید بر مذهب بر این دو تأکید شد و در نهایت در طول ۲۰ سال بعد از انقلاب، این دو گرایش نابود شدند. هر چند این گرایش‌ها ممکن است در سطح اجتماعی رایج باشند ولی خود را بروز و عرضه نمی‌کنند و در واقع این دین است که به پشتوانه نیروهای نظامی خود توانست در مدتی طولانی این تضادها را نابود کند. در این برهه در ایران از گرایش ناسیونالیستی دوران پهلوی کاسته شد و بر گرایش مذهبی اسلامی تأکید شد و کردستان

۱. حملات ۱۳۹۶ تهران به مجموعه حملات داعش به ساختمان مجلس شورای اسلامی و حرم امام خمینی در ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ در تهران اشاره دارد که در نتیجه‌ی آن ۲۲ نفر (۱۷ قربانی و ۵ مهاجم) کشته و دست کم ۵۲ نفر زخمی شدند. این حملات حدود ساعت ۱۰:۳۰ با حمله به ساختمان مجلس آغاز شد. گروه دوم حدود ساعت ۱۰:۴۰ وارد حرم امام خمینی شدند.

نیز به تأثیر از این نگاه، با گرایش مذهبی بیشتری پا به عرصه گذاشت. هژمونی بُعد مذهبی در گروه مکتبی (احمد مفتی زاده) در برابر مسائل ناسیونالیستی گرد آنجا بیشتر آشکار می شود که در پی تشکیل حکومت اسلامی است و در کتابی با عنوان «بحثی کوتاه درباره حکومت اسلامی» آورده شده است. هر چند در اوایل، جریان مکتب پیروزی هایی در سندج کسب کرد اما چنین تفکری عملاً در فضای کردستان با وجود تسلط فکر چپ بر گروه های مذهبی نمی توانست مناسب باشد، لذا عملاً در تقابل با گروه های سیاسی کردستان قرار می گرفت و حداقل در کردستان امیدی به موفقیت نداشت. ایشان در کتاب مذکور، دیدگاه های خود را درباره حکومت اسلامی بیان کرده و ارکان حکومت اسلامی مورد نظر را مشخص کرده است. به ویژه وی مخالف سرسخت سکولاریزم یعنی همان گرایش رایج در کردستان بود. چنانچه می نویسد: «همین سیاست ضدحلقی جدا کردن دین از سیاست روز به روز جامعه عظیم و فولادین توحیدی را به طرف سستی و بت پرستی سوق داد... در این قرن های اخیر یعنی از زمان خاموش شدن مشعل های تمدن اسلامی در اندلس و از جمله صلیبی ها از غرب و مغول از شرق... اعلام این جمله با نهایت صراحت و گستاخی که دین از سیاست جداست و توجیه این خیانت با استفاده از روش های ترویج و فریب- نه با منطق زور و استبداد مانند گذشته- محصول این دوران اخیر است» (مفتی زاده، ۱۳۵۹ ب: ۶).

تضاد فکری در کردستان دوران انقلاب، میان جریان مکتب مفتی زاده و چپ ها شدید شد که موضع گیری های مکتب دینی و در رأس آن مفتی زاده این تضاد را بیشتر نمایان می سازد. سازمان چریک های فدایی در مورد علامه می گویند: «او در تمامی سخنرانی ها، نوار پر کردن ها و جلساتش شروع به توهین کردن به کمونیست ها و غیر اسلامی ها (آن طور که خودش اسلام را می فهمد) نمود و مدعی رهبری اسلامی که نه چپ و راست، بلکه اسلام ناب محمدی را می خواهد شود. او هنوز نه رهبر مذهبی سندج بود و نه رهبر مذهبی سنی های ایران و نه رهبر جنبش خلق کرد» (سازمان چریک های فدایی، ۱۳۵۸: ۳۶). در خردادماه ۱۳۵۸ کنفرانس خودمختاری تشکیل شد که هیچ یک از احزاب دموکرات، چریک های فدایی، جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب، حزب توده، شیخ عزالدین و... که در مجموع طیف چپ را تشکیل می دادند و به دنبال جنگ سندج به موازات سیر نزولی جریان مکتب، سیر صعودی را طی می کردند هیچ کدام در کنفرانس شرکت نکردند

(مفتی زاده، ۱۳۵۸: ۱۵) که این‌ها آثار تضاد شدید دودسته دین با گروه‌های ناسیونالیسم در کردستان بودند و بعدها با حمله ایران به مناطق کردستان، گرایش ناسیونالیستی بعد از جنگ هشت‌ساله ایران، تقریباً رو به نابودی کرد و یا قادر به بروز خود در عرصه عمومی نبودند. بنابراین دین (در کردستان و ایران) باعث نابودی گرایش‌های ناسیونالیستی شد که مدت زیادی دامن ایران و کردستان را گرفته بود.

### ب) نابودکننده‌ی کوتاه‌مدت

گاهی تضادهای اجتماعی به حدی سست و شکننده هستند که اگر مقاومت در برابر این تضادها قوی (دینی) باشد و گاهی حتی اگر مقاومت نیز ضعیف باشد این تضادها را به‌زودی از بین می‌برد و آن را ماندگار نمی‌سازد. نمونه‌های آن را در کردستان می‌توان به درگیری بین گروه‌های مختلف فکری روستائیان نگل بر سر بازگشت قرآن دزدیده‌شده دانست و بیان کرد که کمتر از دو ماه با پیدا شدن و بازگشت قرآن تاریخی به روستا، اختلافات از بین رفت. مثال دیگر از نابودکننده‌ی تضادها در کوتاه‌مدت، از طریق نیروهای نظامی پشتیبانی مذهبی (قوای قهریه) اجرایی می‌شود. دو عملیاتی که داعش (بیشتر آن‌ها کردستانی بودند) در سال ۱۳۹۶ در مجلس شورای اسلامی و نیز مقبره بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، اجرایی کردند ناشی از تضاد آنان با مذهب تشیع و یا حکومت مرکزی بود ولی این تضاد در کمتر از نیم روز نابود شد، در واقع نیروهای نظامی پشتوانه مذهب تشیع بودند که با حذف نیروهای داعش، تضادهای اجتماعی (آشکار) بین داعش و مذهب تشیع در ایران خاتمه یافت.

### ۲- دین به‌مثابه پوشاننده و پنهان‌کننده‌ی تضادهای اجتماعی

در این رویکرد، پوشاننده‌ی تضادهای اجتماعی ممکن است به گونه‌های مختلف باشد:

جدول (۲): خصلت پوشاننده‌ی تضادهای اجتماعی توسط دین

ابعاد	خصلت پوشاننده
پوشاننده از نظر زمانی	فرایندی (به‌مرورزمان)
شیوه پوشاننده	هژمونیک (اقتناع)
	آنی (لحظه‌ای)
	قوای قهریه (اجبار)

منبع: برگرفته از یافته‌های پژوهشی نگارندگان (محدثی، حسینی و تاج‌الدین، ۱۴۰۰)

## ۲-۱) دین به عنوان پوشاننده‌ی تضادهای اجتماعی از نظر زمانی

دین به دو صورت در نقش پنهان‌سازی یا پوشاننده‌ی تضاد اجتماعی قرار دارد:

الف) آنی (لحظه‌ای)

پوشاننده موقتی یا لحظه‌ای (دینی) به این صورت است که به محض اینکه تضادهای اجتماعی بروز می‌یابد، پوشاننده‌ی دینی خلق شده و ظهور می‌یابد و یا باز تولید می‌شود که غالباً مبتنی بر تفاسیر جدید از دین است، البته لازم به ذکر است گاهی پنهان‌کننده‌ی دینی از پیش موجود هست که به محض بروز تضادها، آنان سعی در پنهان‌سازی تضادها دارند و موفق خواهند شد که تضادهای اجتماعی را بپوشانند. به عنوان مثال مکتب قرآنی مفتی‌زاده از همان ابتدای انقلاب در سال ۱۳۴۲ در تضاد مبتنی بر مبارزه مسلحانه بر ضد حکومت غیردینی پهلوی باور داشتند و ایشان در سخنرانی شورای مرکزی سنت (شمس) در تاریخ ۱۳/۱/۱۳۶۰ چنین نوشته است که «در قزل‌قلعه با عده‌ای از آقابان از جمله دکتر جواد باهنر رفاقت پیدا کردیم... در گفتگو با دکتر باهنر گفتم حیف است ۱۵ هزار انسان را در روز ۱۴ و ۱۵ خرداد، بدون نتیجه از دست دادیم (سال ۱۳۴۲) در حالی که اگر مسلحانه مبارزه می‌کردیم با ۱۴، ۱۵ هزار نفر می‌توانستیم رژیم را ساقط کنیم و در این مورد چقدر تأکید کردم و گفتم انسان‌های کرد آشنا به سلاح و جنگ پارتیزانی هستند. شما افراد خود را آماده کنید و من هم کسانی از کردها را می‌فرستم که جنگ مسلحانه و چریکی آموزش دهند» (مفتی‌زاده، ۱۳۶۱: ۸۹). بعد از انقلاب شواهد نشان می‌دهد که مکتب قرآنی مفتی‌زاده در یکی دو ماه اول تمایل به مسلح شدن داشت. در ۲۶ اسفندماه ۱۳۵۷ مفتی‌زاده ضمن نامه‌ای از سرهنگ سفری فرمانده لشکر ۲۸ سنندج درخواست اسلحه و مهمات می‌کند. صفری مطرح کرده بود که تحویل اسلحه باید با موافقت امام یعنی صفدری\_روحانی شیعه مؤسس کمیته دیگر انقلاب در سنندج\_ و رئیس ستاد باشد. این پاسخ سبب ناراحتی طرفداران مکتب مفتی‌زاده می‌شود. از طرف دیگر صفدری هم به بهانه اینکه شنیده است افراد مفتی‌زاده فشنگ‌ها را می‌فروشند و از ترس آنکه اسلحه علیه خودش به کار رود، حاضر نشد اسلحه و مهمات در اختیار آنان بگذارد (سازمان چریک‌های فدایی، ۱۳۵۸: ۴۳). بنابراین از رویکرد ذهنی، حاکمان جمهوری اسلامی اعتماد و باوری به مکتب قرآنی مفتی‌زاده نداشتند و بعدها نشان دادند که تضاد جدی با آنها دارند و با عدم موافقت با مسلح شدن آنان (مکتب قرآنی)، نوعی پوشاندن

تضادهای اجتماعی از طریق حاکمیت اسلامی (تشیع) بود.

یکی دیگر از کارکردهای دین در امر پوشاننده‌ی تضادها، به این صورت است که تضادهای موجود به محض بروز مجدد و سر و پا گرفتن، دین ظهور و بروز می‌کند و اجازه‌ی تشدید تضادها را نمی‌دهد به طوری که می‌توان بیان کرد که دین این تضادها را می‌پوشاند. مانند آنچه از روایت هستیار (مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۱۲) در خصوص درگیری در مراسم تعزیه و لغو مراسم بیان شد.

در یک مراسم فاتحه‌خوانی که در مسجد برگزار شد، ماموستای مسجد که گرایش صوفی‌گری داشت وارد مسجد شده و اعتراض داشتن که نباید اینجا مراسم برگزار می‌شد که همین امر منجر شد به درگیری و تنش ولی با وساطت چند نفر از ماموستاهای حاضر در مسجد این مورد برطرف شد....

### ب) فرایندی

پوشاننده‌ی فرایندی تضاد اجتماعی توسط دین، به این صورت است که ممکن است پیش یا پس از بروز تضادهای اجتماعی به وجود بیایند، ولی پنهان‌ساختن این تضادهای اجتماعی طی فرایندی شکل می‌گیرد که به مرور زمان این تضادها را، مخفی می‌کنند و به مرحله‌ای می‌رسد که جز با تحقیقات عمیق نمی‌توان به آن دست یافت. مثلاً در مصاحبه با مختار اسلامی (مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۱) چنین برداشت می‌شود تضادی که بین مناطق خاصی در داخل کردستان به واسطه‌ی طایفه‌گرایی و یا تضادی که بین اهل تشیع و تسنن، ایرانی با عراقی و... بود با واسطه‌ی طریقت قادری این تضاد از بین رفت و باقی نخواهد ماند. ولی به نظر می‌رسد که این تضاد طی مدت‌زمانی پنهان مانده است، زیرا در هر برهه‌ای، این تضاد مجدداً اتفاق می‌افتد و شعله‌ور می‌گردد و صورت آشکار خود را نشان می‌دهد مثل تضاد و درگیری فکری بین گروه دینی شیخ نقشبندی با شیخ قادری در دبیرستانی در مریوان به مدت ۳ سال در بین دانش‌آموزان، تنش و درگیری در مریوان روستای کانی سانان از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ بین دو گروه فکری تصوف نقشبندی و طریقت قادریه، تضاد و درگیری در سال ۱۳۹۸ بین دراویش قادریه و اهل تصوف نقشبندی در مسجد مریوان بر سر اختلاف در موضوع و تفسیر از بحث معاویه.

### ۲-۲) شیوه‌ی پوشاننده تضادهای اجتماعی توسط دین

گاهی شکل پوشاننده تضادهای اجتماعی توسط دین در قالب قوای قهریه و گاهی

شکل آن به صورت هژمونی است که مردم آن را با علائق و سلائیق خود می‌پذیرند.

الف) پوشاننده به واسطه‌ی قوای قهریه

شکل پوشاننده‌ی تضادهای اجتماعی توسط دین که از طریق قوای قهریه اعمال می‌شود به این صورت است که نیروهای زور در قالب نیروی پلیس، نیروی انتظامی، دادگاه‌ها و حتی تهدید و رعب و وحشت به منظور دفاع از دین یا جلوگیری از گرایش به گرایش دینی خاصی، یا احزاب دینی سعی در پوشاندن تضادهای اجتماعی می‌کنند و از طریق این نیروی زور یا قدرت، سعی می‌کنند تا تضادهای اجتماعی را بپوشانند. همانند آنچه که در جمهوری اسلامی ایران مشهود است که به منظور دفاع از دین اسلام از نیروهای پلیس و کنترل استفاده می‌کند که آن را حراست و محافظت کند و بدین طریق تضادهای مهمی در درون جامعه پنهان می‌شود، با وجود آن که گروه‌های مختلف مذهبی و اجتماعی در تضاد قرار دارند، اما از ترس این قوای قهریه، بروز و ظهور نمی‌یابند. همانند جوانان کردستانی که به داعش پیوستند و در صدد حمله به مناطق دیگری در سوریه و عراق بودند ولی از آنجایی که در ایران قوای قهریه مسلط بود امکان بروز و ظهور آن را نداشتند (احمدی، ۱۳۷۸).

پنهان کننده از طریق هژمونی

گاهی شکل پوشاننده تضادهای اجتماعی مبتنی بر زور یا قوای قهریه نیست بلکه مبتنی بر اعمال قدرت به شیوه‌های اقناع است. در این شیوه برای پوشاندن تضادهای اجتماعی، از مشروعیت دین بهره گرفته می‌شود ممکن است شیوه پوشش این تضادها رویگردانی از یک مسئله خاص و تمرکز بر یک مسئله دیگری باشد. مثلاً تأکید زیاد بر یک مسئله از دین باعث رویگردانی از برخی مسائل دیگر دین شود و ممکن است از طریق دین (آیات، روایات و احادیث و...) سعی شود که یک مسئله کم‌اهمیت جلوه داده شود و تضادهای آن را بپوشانند، از جمله‌ی آن نفوذ گرایش فکری تصوف و نقشبندی ۱ در بین فرق مذهبی مختلف اسلامی، تضادهای بین آنان را سرپوش می‌گذارد و آن را اتحاد و یکی شدن می‌نامد. یکی از مصاحبه‌شوندگان که خود یکی از پیروان طریقت

۱. طریقت نقشبندی در اساس، تداوم طریقت خواجگان است که عبدالخالق غجدوانی (۶۱۷-۵۷۵ ق) آن را بنیان نهاد و در جهان اسلامی (اهل تسنن) رایج است.

اهل تصوف بود ذکر می‌کند. طریقت از زمان شاه اسماعیل صفوی (۹۰۷-۹۲۰ق) با مظاهر و عقاید اهل سنت و تشیع به هم تنیده شد «شیوخ طریقت تا به امروز بسیاری از مساجد را نیز زیر سلطه داشتند و اداره امور آن‌ها را نیز به دست گرفتند و از این طریق هرگونه درگیری را آشتی می‌دادند، زیرا مردم آن را می‌پذیرفتند».

۳- دین به مثابه انعکاس دهنده و بازنمایی کننده تضادهای اجتماعی در این رویکرد، انعکاس دهنده و بازنمایی تضادهای اجتماعی ممکن است به گونه‌های مختلف باشد:

جدول (۳): خصلت انعکاس دهنده تضادهای اجتماعی توسط دین

خصلت انعکاس		ابعاد
درون دینی	برون دینی	قلمرو انعکاس
پنهان	آشکار	شیوه‌های انعکاس

منبع: برگرفته از یافته‌های پژوهشی نگارندگان (محدثی، حسینی و تاج‌الدین، ۱۴۰۰)

### ۳-۱) قلمروهای انعکاس تضادهای اجتماعی

گاهی دین تضادهای اجتماعی درون‌دینی و گاهی تضادهای برون‌دینی را انعکاس می‌دهد.

#### الف) درون‌دینی

تضادهای مردم در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی یا اجتماعی توسط دین برای پیروان آن دین منعکس می‌شود، این انعکاس در قالب رفتاری و عبادی قرار می‌گیرد و توسط پیروان آن دین به اجرا گذاشته می‌شود. مثلاً گفته می‌شود اگر کسی چنین رفتار یا عملی نکند سواد دینی ندارد یا از ما نیست و در همین راستا احتمال اینکه مورد ستم دینی واقع شود وجود دارد. همانند روایتی که عباس (مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۹) در خصوص اختلاف و جدال بر سر خواندن فاتحه در قبرستان روستای ژنین بیان می‌کند:

«بعد از اتمام کار به فکر رسید که سری به قبرستان بزنم و فاتحه‌ای بخوانم، در وسطی راه چند نفر پرسیدند که به کجا می‌روی... بعد اینکه متوجه شدند که به زیارت قبور می‌روم، من و رفتار امثال من را مسخره کردند مبنی بر اینکه فاتحه و فاتحه‌خوانی در آیات و روایات و... نیست. مقاله و کتاب‌های زیادی را به من معرفی کردند که در این

زمینه مطالعه کنم، تحریم زیارت قبور را به سید قطب استاد دادند. منم گفتم من سواد چندانی ندارم و نمی‌دانم اینترنت و کتاب... که باز شروع به مسخره کردن من و دوستان من کردند تا اینکه درگیری شروع شد و مدت‌ها همین موضوع باعث تنش و تضاد شد...» درواقع روایت مذکور نشان می‌دهد که تضادهای دینی انعکاسی از تفاوت بین انسان مدرن یا جدید و انسان سنتی است و اجماع فرهنگی در این بعد از زمان و فضا سخت و شکننده است و به‌نوعی می‌توان بیان کرد که هراسی متفاوتی بیشتر افراد را در بر گرفته است و اختلاف بر سر تفاوت‌ها در باورهای فکری و مذهبی در جامعه امری است شایع و رایج که تا حدی جایز نیز خوانده می‌شود چون در این زمان جامعه کمتر فعالیت‌های فکری از هر سنخ را محدود یا تحریم می‌کند.

ب) برون‌دینی

تضادهای مردم در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی یا اجتماعی توسط دین برای گروه‌های برون دینی انعکاس می‌یابد، این انعکاس در قالب آگاهی، ملاحظه، هشدار و اخطار قرار می‌گیرد. مثلاً به گروه‌های دیگر هشدار، اخطار یا اطلاع داده می‌شود که ویژگی و باورهای آیین و دین ما چنین است تا گروه دیگر آن را ملاحظه کنند. نمونه‌ی انعکاس این تضادهای برون دینی در کردستان را می‌توان به تضاد دراویش طریقت قادریه با پزشکی مدرن که پلیس اقلیم کردستان عراق به دلیل کرونا بر آن اصرار داشت در نظر گرفت و بررسی کرد. شیخ محمد کسنزانی در بهار ۱۳۹۹ در اوج کرونا درگذشت که یکی از مشاهیر پیرو طریقت قادریه بود و مریدان وی برای حضور در مراسم تشییع جنازه‌ی وی که در اقلیم کردستان عراق برگزار گردید تلاش بسیار کردند که به دلیل محدودیت‌های کرونایی برای رفت و آمد در مرز و تلاش مریدان برای عبور مشکلات بزرگی را به وجود آورد. با توجه به شیوع کرونا، بسته بودن مرز مسافری باشماق و رعایت پروتکل‌های بهداشتی، امکان حضور دراویش و مریدان شیخ محمد کسنزانی پیر طریقت قادریه برای شرکت در مراسم تشییع جنازه‌ی وی در اقلیم کردستان عراق فراهم نشد. نیروهای مرزبانی اقلیم کردستان هم اجازه ورود هیچ‌کس به خاک عراق را نمی‌دهند، زیرا طبق وزارت بهداشت و پزشکی اقلیم کردستان بایستی مرزها محدود می‌شد، ولی دارویش طریقت قادریه با مرزبانان درگیر شدند و وارد اقلیم کردستان شدند (همشهری آنلاین، ۱۳۹۹). این تضاد از این جهت، به‌عنوان انعکاس توسط



دین در نظر گرفته شده است زیرا مدت زیادی است تضاد بین پزشکی سنتی و مدرن وجود دارد و دین این تضاد را منعکس می‌کند. همچنین از این جهت برون دینی محسوب می‌شود که فرقه‌های برون از خود (پزشکی مدرن) اطلاع می‌دهد که کرونا و بیماری که آنان بر آن تأکید دارند برای آنان حائز اهمیت نیست و باید به آنان اجازه اجرای طریقت خود را بدهند، زیرا در طریقت آنان مرید و مرادی حائز اهمیت بوده است و در اولویت می‌باشد.

### ۲-۳) شیوه‌های انعکاس تضادهای اجتماعی

شیوه‌های انعکاس تضادهای اجتماعی را می‌توان هم به صورت آشکار و علنی و هم به صورت پنهان دانست. در بحث انعکاس تضادهای اجتماعی توسط دین نیز این شیوه صدق می‌کند و مشهود است.

#### الف) آشکار

انعکاس آشکار تضادهای اجتماعی توسط دین (تفسیر از دین)، به این معنی است که دین این تضادها را به صورت علنی اعلام می‌کند و خود دین واقف است که این تضادها وجود دارد و به صورت آشکار آن را اعلام می‌کند. حال ممکن است که جانب گروهی را بگیرد یا در پی حل آن باشد و یا بخواهد این تضادها را افزایش دهد. نمونه آخر این موضوع انعکاس تضاد بین پزشکی مدرن (بیماری کرونا) و پزشکی کلاسیک که سال‌هاست برخی از فرق مذهبی آشکارا جوانب پزشکی سنتی را گرفته‌اند و با پزشکی مدرن در تضاد هستند. نمونه‌ی این انعکاس در گذشت شیخ محمد کسنزانی، پیرو طریقت قادریه و تلاش مریدان وی برای حضور در مراسم تشییع جنازه‌ی وی که در اقلیم کردستان عراق برگزار گردید که به دلیل محدودیت‌های کرونایی برای رفت و آمد در مرز و تلاش مریدان برای عبور از مرز مشکلاتی را به وجود آورد و منجر به درگیری بین نیروهای مرزبانی و دراویش شد (همشهری آنلاین، ۱۳۹۹). در واقع این تضاد مبتنی بر دین، انعکاس از تضادی است که بیشتر از یک قرن است بین گروه‌های اجتماعی وجود دارد.

#### ب) پنهان

انعکاس پنهان تضادهای اجتماعی توسط دین، به این معنی است که دین این انعکاس را پنهان می‌سازد و حتی در صورت بروز آن (دین انعکاس تضادهای اجتماعی)

توسط دیگران، آن را رد می‌کند. همچون تضادی که بین حاکمیت با الف) قومیت کرد به دلیل مطالبات استقلال طلبانه طی یک قرن معاصر داشته‌اند و با ب) گرایش مذهبی تفاوت داشته است، ولی همواره دین سعی در پنهان‌سازی این تضاد داشته است ولی بعد از مدتی این پنهان‌سازی در هم پاشیده است. مثلاً مکتب قرآنی در کردستان (مفتی زاده) از یکسو درصدد پنهان‌سازی تضادهای خود با ناسیونالیسم گُرد بود و بر آن بود که به خاطر عدم جنگ برادرگُشی از کردستان به سمت کرمانشاه مهاجرت کند. از سوی دیگر باوجود آنکه همواره بر عنصر مشترک دینی (اسلام) با حاکمیت مرکزی تأکید داشت ولی از آنجایی که این تضاد تاریخی و در ناخودآگاه فرهنگی (از لحاظ مذهبی و مطالبات سیاسی و اجتماعی) رایج بود تضاد تشدید شد و به دستگیری و زندانی شدن وی منجر گردید (امینی، ۱۳۸۴: ۳۸).

#### ۴- دین به مثابه تداوم بخش تضادهای اجتماعی

جدول (۴): خصلت تداوم بخشی تضادهای اجتماعی توسط دین

خصلت تداوم بخشی		ابعاد
هژمونی	قهریه (زور و اجبار)	شیوه‌های تداوم بخشی

منبع: برگرفته از یافته‌های پژوهشی نگارندگان (محدثی، حسینی و تاج‌الدین، ۱۴۰۰)

#### ۴-۱) شیوه‌های تداوم بخشی تضادهای اجتماعی

به دو شیوه تضادهای اجتماعی تداوم می‌یابد، یک شیوه از آن به این صورت است که خود مردم خواهان و پذیرای آن هستند و توسط خود مردم این تضاد دنبال می‌شود و شیوه دیگر از طریق فشار و زور (دستگاه‌های نظامی، اجبار مدیران، تنبیه مالی یا بدنی توسط گروه‌های خاص و...) این تضادها بازتولید می‌شوند.

الف) هژمونیک

این شیوه از تضادهای اجتماعی با علایق و سلايق مردم تداوم می‌یابد. مردم خود خواهان تداوم این تضادها هستند و هیچ نیروی فشاری برای تداوم این تضاد وجود ندارد. امید به عنوان یکی از مصاحبه‌شونده‌های کامیارانی (امید، مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۴۱) است که درخصوص اختلاف و درگیری بر سر تزئین و آراستن قبر که یکی از اختلافات مداوم نیم‌قرن اخیر است این مورد را ذکر می‌کند. این اختلاف و تضادها، در جامعه‌ی کردستان به صورت بحث همیشگی گروه‌های مختلف به‌ویژه مذهبی‌ها تبدیل شده است و

در مجالس و مجامع مختلف این بحث فراگیر شده است و هر یک از طرفین تضاد، در پی اقتناع دیگری بوده‌اند. این ذهنیت برآمده از وضعیت مردم است که هر کسی به سهم خودش در این موارد تضاد، شریک و سهیم است.

ب) قوای قهریه

شیوه‌ی تداوم بخشی تضادهای اجتماعی توسط دین، گاهی فرای دین صورت می‌گیرد و دستگاه‌های نظامی، قدرت‌های مذهبی، قومی و قبیله‌ای در قالب زور در کنار این تداوم قرار می‌گیرند. یکی از تداوم این تضادها، تضاد شیعه و سنی است که اهل شیعه به پشتوانه‌ی نظام سیاسی بعد از انقلاب ۱۳۵۷، توانست برنامه‌های خود را تسلط ببخشد و تضادها را همواره بازتولید کند. به گزارش دوهفته‌نامه‌ی کردی «روزه لات» علمای دینی مهاباد در نامه‌ای سرگشاده به رئیس‌جمهور ایران خواستار لغو مصوبه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورد حوزه‌های علمیه‌ی اهل سنت شدند. مطابق این مصوبه، حوزه‌های دینی اهل سنت را وابسته به خود کند و در امور مدارس دینی اهل سنت دخالت بکند، در این مصوبه، تشکیل شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت پیش‌بینی شده است. علمای دینی مهاباد مصوبه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی را موجب از میان رفتن استقلال مدارس علوم دینی اهل سنت دانسته‌اند. آنان همچنین تأکید کرده‌اند که این مصوبه حقوق شهروندی بخش کثیری از ایرانیان را نادیده گرفته و مغایر با قانون اساسی کشور و ناقض اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر است. همه اهل سنت ایران و علمای اهل سنت خوش‌بین بودند که با پیروزی انقلاب، همه مردم می‌توانند از مزایای برابر برخوردار شوند. ولی برآند که با وجود تصویب قانون اساسی، ما شاهد آن هستیم که هر روز دایره تزییقات و فشارها بر اهل سنت تنگ‌تر می‌شود و شاهد اعمال نظرهای خلاف قانون هستیم (قهاری، ۱۳۸۸).

### ۵) دین به‌مثابه تشدیدکننده تضادهای اجتماعی

جدول (۵): خصلت تشدیدکننده تضادهای اجتماعی توسط دین

خصلت تشدیدکننده		ابعاد
دوسویه (دین در کنار دیگر عوامل)	یک‌سویه دینی	سویه‌های دینی تشدیدکننده
بعد مناسکی	بعد اعتقادی	ابعاد دینی تشدیدکننده

منبع: برگرفته از یافته‌های پژوهشی نگارندگان (محدثی، حسینی و تاج‌الدین، ۱۴۰۰)

### ۱-۵) سویه‌های دینی تشدیدکننده تضادها

سویه‌های دینی تشدیدکننده تضادهای اجتماعی به این معنی است که از طریق عامل یا عوامل مختلفی تضادهای اجتماعی تقویت می‌شود، گاهی این تضادها تنها از طریق دین تقویت می‌شود و گاهی عوامل دیگری همچون سیاسی، اقتصادی، نظامی و... با دین هم‌افزایی می‌کنند و در تشدید تضادها سهیم هستند.

الف) یک سویه

تشدیدکننده‌ی یک سویه تضادهای اجتماعی توسط دین، به این معنا است که دین به‌عنوان تنها عامل در تقویت تضادهای اجتماعی می‌باشد. هر چند شناخت عوامل این تضادها دشوار است و گاهی ممکن است این تضادها نیز مبنا و منشأ غیردینی داشته باشد ولی سطوح ظاهری آن بیانگر دینی باشد. مثلاً هجده سلفیت به مذاهب فقهی و کلامی اهل سنت کمتر از مذهب شیعه نیست. فرقه وهابیت و سلفیت، خود را حق مطلق و سایر فرق اسلامی را اهل بدعت و خارج از اسلام می‌دانند و گاه با تغییر تاکتیک و به شیوه‌های تبلیغی برای جذب پیروان اهل سنت، تنها به شیعه امامیه حمله می‌کنند (قراگزلو، ۱۳۸۶). استان کردستان نیز، از این قضیه مستثنی نیست. در مصاحبه‌ای که با عبدالله (مصاحبه شماره ۲۱) در خصوص «تنش در روستای ترخان آباد ۱ بین گروه مدنی و مردم در مسئله حمایت از مردم شنگال» داشتیم. در واقع این تضاد بین مسلمان و کافر و کمک مسلمان به کافر (غیر اسلامی) همواره در کردستان بوده است. در مصاحبه هویدا است که تنها عامل تشدید تضادهای اجتماعی رویکرد دینی بوده است، زیرا هیچ عامل دیگری بر آن دخیل دیده نمی‌شود.

«وقتی خیرین برای کمک آمده بودند ماموستای مسجد تمام گفته‌های آن‌ها را درمورد کمک کردن به مردم شنگال نقد کرد و گفت که کمک به مردم شنگال که مسلمان نیستند و بلکه یزیدی هستند هیچ اجر و ثوابی ندارد بلکه حتی عقوبت الهی هم به دنبال دارد.»

همچنین می‌توان به مصادیق دیگری از تقویت‌کننده‌ی یک سویه دینی اشاره داشت، این تقویت‌کننده‌های تضادهای اجتماعی تنها مبتنی بر عامل دینی هستند همانند آنچه که

۱. این روستا از توابع بخش مرکزی شهرستان سرو آباد در استان کردستان ایران است. جمعیت آن ۶۱۲ نفر است

ذکر شد. همچنین در مصاحبه با صلاح‌الدین (مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۱۶) در خصوص «درگیری و تنش در روستای ملقرنی بخش شهرستان سقز در مسئله انتقال مجسمه مولوی کرد» بیان کردند که «گروه دینی خاصی مجسمه را نمادی از بت‌پرستی دانسته و عزم بر این جزم کرده که با هر روشی باید مجسمه یا تخریب شود یا از روستا بیرون برده شود». این تضادها یک‌سویه است، زیرا در همه جای جهان مجسمه‌های شاعران، فیلسوفان و بزرگان مناطق بومی خود را در محل خاصی به ادای احترام نصب می‌کنند، اما این دین (تفاسیر دینی) خاصی است که در مقابل آن قد علم می‌کند و اجازه آن را نمی‌دهد. بنابراین از این لحاظ می‌توان گفت تشدیدکننده‌ی تضاد موجود، صبغه‌ای یک‌سویه و منحصر را دارند.

همچنین یکی از مسائل تشدیدکننده‌ی تضادهای اجتماعی توسط دین، فتوای مرگ است. شیرکو بیکس<sup>۱</sup> شاعر نامدار کرد که معمولاً شعرهای نو و انتقادی می‌نویسد از سوی مذهبی‌ها به‌عنوان یک شاعر کافر و بی‌دین تلقی شد، در سال ۱۹۷۶ حکم ارتداد و فتوای مرگ علیه وی داده شد. از آنجایی که این شاعر در بین کردها بسیار احترام و ارزش داشت، همین نکته باعث مقابله با گروه‌های مذهبی و حامیان فتوای مرگ او شد.

(ب) دوسویه (دین در کنار سایر عوامل)

گاهی دین تنها عامل تضاد اجتماعی نیست و عوامل دیگری نیز به تقویت تضادها کمک می‌کنند. مثلاً می‌توان به متن مصاحبه مسعود (شماره ۲۲) در خصوص تنش بین گروهی از ماموستایان شهر سقز با افراد دانشگاهی (غیر حوزوی) در حوزه دین اشاره داشت:

«در مسجد ما همیشه جلساتی برگزار می‌شد که گروه دانشگاهی نیز در آن شرکت می‌کردند کسانی که جامعه‌شناسی و تاریخ اسلام... خوانده بودند و رویکردهای مختلف و تأکید بر منابع مختلف باعث اختلاف در بین آنان می‌شد. از یکسو ماموستایان بر مبنای احادیث و آیات سعی در اقناع طرفین داشتند ولی افرادی که در دانشگاه تحصیلات عالی داشتند سعی در پایبندی به فکت و منابع تاریخی داشتند و استناد به احادیث و روایت را

۱. شیرکو بیکس شاعر معاصر کرد بود که در سال ۱۹۸۸ از سوی انجمن قلم سوئد، برنده‌ی جایزه کورت توخولسکی (Kurt Tucholsky) شد. از وی بالغ بر ۳۸ دیوان شعر چاپ شده‌است. سروده‌های وی به زبان کردی هستند

کافی نمی‌دانستند. همین منبع استنادی خود به نوعی محل نزاع طرفین بود و درگیری بین آن‌ها شدید شد.»

همچنین می‌توان به مصادیق دیگری نیز اشاره داشت، از جمله آن خوانش‌های متضاد در مسئله زلزله کرمانشاه که با دو نگاه مذهبی و قومی تحلیل شد و باعث درگیری بین آنان شد. گروهی بر سر این تصور که چون بیشتر مردم کرمانشاه اهل حق یا اهل تشیع هستند لذا فکر عدم حمایت به مردم زلزله‌زده کرمانشاه را در بین مردم رواج دادند و بر آن سماجت داشتند. گروه دیگر نیز که گفتمان دیگری را مبنی بر وظیفه اخلاقی و انسانی و البته قومی پیش کشیدند و مصرانه در حمایت از آن‌ها کوشیدند در برابر آن‌ها ایستادند و همین نگاه و بینش متضاد دینی و قومی منجر به درگیری در سطح شهر سنندج شد. در واقع از آنجایی که دین و تفاسیر دینی در کنار قومیت به تقویت این تضادها دامن زده‌اند می‌توان گفت که تقویت‌کننده دوسویه می‌باشد.

#### ۵-۲) ابعاد دینی تشدیدکننده تضادها

تشدیدکننده‌ی تضادهای اجتماعی توسط دین، ممکن است ابعاد اعتقادی و ذهنی داشته باشد:

##### الف) اعتقادی

اعتقاد وضعیتی در ذهن است که با وجود آن، فرد فکر می‌کند که چیزی درست است، بدون توجه به اینکه آیا شواهد تجربی یا دلایل عقلی و منطقی‌ای وجود دارد یا نه، که با قطعیتی که بر حقایق مسلم دیگری مبتنی باشد، ثابت کند که آن چیز درست است. پس جنبه اعتقادی دین شامل باورها و ذهنیت‌هاست، خواه این ذهنیت‌ها عقلانی و احساسی یا مبتنی بر وحی باشد. در این بخش به آن جنبه‌ی اعتقادی از دین پرداخته می‌شود که تضادهای اجتماعی را تشدید می‌کند. یکی از نمونه‌های این تضادها، می‌توان به متن مصاحبه مسعود (شماره ۲۲) در خصوص تنش بین گروهی از ماموستایان شهر سقز با افراد دانشگاهی در حوزه دین اشاره داشت، یکی از فارغ‌التحصیلان دکتری تاریخ با ماموستایان مساجد به بحث و گفتگو می‌نشست و بسیاری از وجوه مذاهب را رد می‌کند و تفاسیر دیگری از دین ارائه می‌دهد که منجر به اختلاف بین آنان می‌شود. مثلاً ذکر می‌کند:

«در جلسه‌ای که ۱۴ طلبه جوان برای مراسم اجازه یعنی مراسمی که در آن مجوزی

از طرف بزرگان و عالمان دینی به آن‌ها داده می‌شد که رسمی به‌عنوان روحانی شناخته شوند این ماجرا اتفاق افتاد که در همین جلسه نزدیک به ۳۵ نفر وارد (در زمان همان برنامه) مسجد شدند و با آن‌ها درگیری شدیدی پیدا کردند و نزدیک به ۲۰ نفر به‌طور وحشتناکی مجروح شدند.»

همچنین تضادهای اجتماعی مبتنی فتواها ناشی از بعد اعتقادی است که در مواردی همچون قضیه‌ی شیرکو بیکس در سال ۱۹۷۶ آن را تشدید کرده است، زیرا در این سال (۱۹۷۶) حکم ارتداد و فتوای مرگ به وی داده شد. از آنجایی که این شاعر در بین کردها بسیار احترام و ارزش داشت باعث مقابله طرفداران شاعر محبوب با گروه‌های مذهبی حامی فتوای مرگ شد. نمونه‌ی دیگر این فتوهای تشدیدکننده‌ی تضادها، تضاد بین گروه ادبی مریوان با چاپ کتاب دیوان نفرت که در حمایت از حقوق زنان است که مذهبیون فتوای مرگ نویسنده‌ی کتاب (یاسین حسینی) را دادند (فرانک، مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۴۷).

### ب) مناسکی

ممکن است بُعد مناسکی دین باعث تشدید و تقویت تضادهای اجتماعی شود. مناسک به معنای آداب، آیین‌ها، سنن، رفتارها، عبادات، مراسم، نیایش‌ها است. لذا بعد رفتاری و عینی دین‌داری را شامل می‌شود، نمونه‌ای از این تضادها را می‌توان به تضادی که دلیر (مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۴۸) بیان داشت اشاره کرد: «گروهی تأکید داشتند این نوعی بت‌پرستی است و اشخاص (اماکن متبرکه) نمی‌توانند کمکی به بهبود وضعیت و سلامتی بکنند و گروهی مخالف آن بودند، هر روز این اختلاف‌ها بیشتر می‌شد...».

همچنین مصادیق دیگر از شیوه‌های تشدیدکننده‌ی تضادهای اجتماعی را می‌توان به درگیری مناسکی در خصوص نحوه‌ی ایستادن در صف نماز بین وهابی‌ها با مردم عادی (به همراهی ماموستا) در مسجد اشاره داشت (مصاحبه‌کننده‌ی شماره ۴۷). مختار اسلامی (مصاحبه‌شونده شماره ۱) نیز روایتی مشابه را بیان می‌کند که در حدود دو یا سه سال قبل در مسجد مولوی کرد مریوان واقع در محله موسک دو، بیشتر از پنجاه نزاع و درگیری حتی به‌صورت فیزیکی بر سر نحوه اقامه نماز در مسجد روی داده است.

مناسک‌های مختلف مثل چگونگی انجام و رفتار در حین عبادت، گاهی به تشدید تضادها منجر شده است. امروزه گاهی به حدی در این مناسک‌ها ریز می‌شوند که

کوچک‌ترین رفتار و حرکت، خود باعث اختلاف در بین گروه‌های مذهبی مختلف شده است.

## ۶- دین به مثابه منبع و منشأ تضادهای اجتماعی

جدول (۶): خصلت منبع و منشأ تضادهای اجتماعی توسط دین

خصلت منبع و منشأ دینی				ابعاد
اقتصادی	فرهنگی	سیاسی	علمی	موضوع منشأ تضادها
بین فردی	بین گروهی			شیوه‌های منشأ تضاد

منبع: برگرفته از یافته‌های پژوهشی نگارندگان (محدثی، حسینی و تاج‌الدین، ۱۴۰۰)

### ۶-۱) موضوع منشأ تضادها

تفسیرهای مختلفی که از دین می‌شود، در قالب‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و علمی بنیان و مبدأ تضادهای اجتماعی می‌شود. تضادهای اجتماعی مبتنی بر دین، همواره مبدأ خاصی دارند، این مبدأ گاهی اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و گاهی علمی است، زیرا دین نیز در قالب اقتصاد، سیاست و فرهنگ خود را بروز می‌دهد.

#### الف) اقتصادی

ممکن است مبدأ تضادهای اجتماعی مبتنی بر دین از لحاظ اقتصادی باشد، به این معنی که آن جنبه از اقتصاد که پشتوانه دینی دارد منشأ تضادهای اجتماعی باشد. به عنوان مثال می‌توان به خلاصه‌ای از صدور اطلاعیه‌ی وزارت اطلاعات (در سال ۱۳۹۵)، از اقدامات گروهک موسوم به «توحید و جهاد» اشاره داشت که برخی از آنان جنبه‌ی اقتصادی دارد از جمله:

- سرقت مسلحانه خودروی ۴۰۵ و مبلغ ۶ میلیون تومان از شهروند سنندجی (۱۳مهر

۸۸)

- سرقت مسلحانه و زورگیری ۴ دستگاه خودروی اتومبیل در همدان، زنجان و

شمال کشور (سال‌های ۸۸ و ۸۹ که منجر به قتل یک راننده گردید)

- سرقت مسلحانه حدود ۴/۵ کیلو طلا از طلافروشی در زنجان (۲۴ بهمن ۸۸ که

منجر به قتل شهروند عادی و مجروح شدن ۲ تن از پرسنل نیروی انتظامی گردید)

درواقع، به نظر می‌رسد این سرقت‌ها و حمله به طلافروشی و یا سرقت ماشین، بیشتر

به هدف تبلیغ و ترویج دین و نه مال‌اندوزی باشد.



### ب) فرهنگی

دین گاهی به صورت فرهنگی و در قالب هنجارها و ارزش‌ها پدیدار می‌شوند و مبدأ تضادهای اجتماعی می‌شوند. مصداق مشابهی از این شیوه تضاد، «تقابل مراسم کومسای پیرشالیار اورامانات در تضاد با جنبه گردشگری خارجی» است (روژمان حسینی، مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۲) که روایت مصاحبه‌شونده بیانگر آن است که حدود ۸ هزار گردشگر (به‌ویژه زرتشتیان) از سراسر جهان برای مراسم پیرشالیار به اورمان آمده بودند و یکی از ماموستایان (روحانی) در یک سخنرانی به رد آن پرداخت و معتقد بود پیرشالیار مسلمان بوده و زرتشتی نیست و رشد دوباره‌ی سنگ در هر سال هم کذب است. این منشأ تضاد جدیدی بین گروه‌های مختلف شد که تا به امروز باقی مانده است.

### ج) سیاسی

گاهی تضادهای اجتماعی مبتنی بر دین جنبه سیاسی دارد و به صورت حزبی، حکومتی، قدرت یا مقاومت در عرصه‌ی سیاسی بروز و جلوه‌گر می‌شود. به‌عنوان مثال جریان مذهبی «جندالاسلام (انصارالاسلام) که بعد از جنگ آمریکا علیه طالبان به این منطقه آمده بودند. در منطقه اورامانات به اولین پایگاه مستقر عرب-افغان‌ها در کردستان تبدیل شد و قوانین سختگیرانه دینی را، دقیقاً به سبک حکومت اسلامی طالبان، در منطقه تحت تصرف خود اعمال کرد» (گروه بحران بین‌الملل، ۱۳۸۵). آن‌ها اولین حمله‌ها را به جریان تصوف، در قالب تخریب قبور و زیارتگاه‌های شیوخ و نیز حمله به کتاب‌فروشی‌ها، تکفیر نویسندگان، روشنفکران و شهروندان عادی و آزار اقلیت‌های دینی منطقه انجام دادند. آن‌ها همچنین به ترور فرانسوا حریری نخست‌وزیر وابسته به حزب دموکرات کردستان و بیش از صد نفر دیگر در سال ۲۰۰۱، در جریان حمله انتحاری در عید فطر صورت داده‌اند (دل‌اویز، ۱۳۸۵). همچنین مصادیق دیگر از دین به‌عنوان منشأ تضاد «درگیری مسلحانه با سفر هیئت دولت به کردستان بود»، با سفر هیأت دولت به استان کردستان درگیری مسلحانه توسط گروه‌های مذهبی سلفی صورت گرفت (قهاری، ۱۳۹۲).

### د) علمی

گاهی کشف حقیقت و یا ادعای حقیقت‌گویی مبدأ تضادهای اجتماعی می‌شود، دین نیز از آنجایی که حقیقت را نزد خود می‌یابد و هر آنچه در کتاب مقدس یا روایات و

احادیث ذکر شده است عین حقیقت قلمداد می‌کند، لذا همواره مبدأ و منشأ تضادهای اجتماعی جدید است، در این خصوص تفسیرهای مختلف از آیات و احادیث برای ایجاد تضادها غیرقابل انکار است. همچون اختلافی که بعد از فوت مفتی زاده در سال ۱۳۷۱ اختلافات بین پیروان او در مکتب قرآن بالا گرفت و در سال ۱۳۷۵ منجر به انشقاق و تقسیم آن به سه شاخه شد.

(۱) شاخه مکتب قرآن با روش شورای مدیریت با نظارت سعدی قریشی

(۲) مکتب قرآن کردستان با رهبری حسن امینی.

(۳) گروهی دیگر که از هیچ کدام از این گروه‌ها پیروی نکردند و عملاً از فعالیت‌ها کنار رفتند و با شیوه‌های اجتماعی و مدنی به تبلیغ اصول و استراتژی‌های احمد مفتی زاده مشغول شدند (دلاویز، ۱۳۸۵).

یکی از شیوه‌های دیگر از تضادهای اجتماعی که مبنای دینی دارد، بر مبنای تفسیری که از واقعیت دارند، بیشتر جنبه‌ی برون دینی دارد، به این معنی که تفسیر و روایتی از واقعیت مختص به یک دین خاص نیست، بلکه اختلاف یک دین با علوم جدید بر سر تفسیری متفاوت از واقعیت است. همانند روایتی که هاوری (مصاحبه‌شونده شماره ۳) بیان می‌کند:

«معلم تازه وارد به روستا در مورد سنگ مزار پیرشالیار ۱ به شاگردانش گفته بود این خرافات است که سنگ‌ها رشد می‌کنند و خانواده‌ها مطلع شدند و معلم را از روستا بیرون کردند».

## ۶-۲) شیوه‌های منشأ تضاد

شیوه‌های منشأ تضاد به دو صورت است:

الف) بین فردی

ممکن است تضادهای اجتماعی در سطح خُرد و در روابط فردی ایجاد شود. دین منشأ تضادهایی می‌شود که در بین افراد رایج می‌شود. یکی از مصادیق آن را می‌توان به «درگیری در روستای گه‌وره قلعه بخش سقز» در سال ۱۳۹۷ که به دلیل چگونگی دست گرفتن در هنگام اقامه نماز، بین دو فرد درگیری پیش می‌آید و یکی از آنان کشته می‌شود

۱. شخصیت مذهبی که در منطقه اورامان مقدس تلقی می‌شود.

و به مدت یک سال روستا به دو قطب متخاصم تبدیل شد (مصاحبه‌شونده شماره ۲۷). همچنین تضادهای بین‌فردی با منشأ دینی، در قالب امر به معروف و نهی از منکر بروز و پدیدار می‌شود که درگیری شدید جوانان اهل تصوف با افراد قلیانی و سیگاری در زیربار مریوان که عبدالکریم (مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۶) آن را روایت می‌کند، مصداق دیگری از این تضادهای بین‌فردی است. به این معنی افراد مذهبی با نهی از منکر (همچون سیگار و قلیان) در پی اجرای دستورات دینی هستند ولی از آنجایی که امروزه فردگرایی و دخالت در علایق و سلائیق دیگران نامطلوب جلوه داده‌شده است با آنان (افراد مذهبی) برخورد می‌شود.

(ب) بین‌گروهی

گاهی تضادهای اجتماعی نه در سطح روابط فردی، بلکه در سطح سازمانی، گروهی یا نهادی شکل می‌گیرد، دین مبنای تضاد این سازمان‌ها، گروه‌ها یا نهادها می‌شود. مصداق تضادهای بین‌گروهی که مبنای دینی دارد می‌توان به روایتی از عیسی (مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۲۰) اشاره داشت که در خصوص تنش و درگیری بین گروه‌های مذهبی در روستای ساوجی ۱ است:

«در روستای ما گرایش تصوف رایج بود و هیچ اختلاف و درگیری وجود نداشت تا اینکه چند نفر که در ده بودند با وهابیت آشنا شدند. کم‌کم، اهالی روستا گرایش به عقاید وهابیت پیدا کردند. اختلاف در روستا بر سر مسائل ریزودرشت شروع شد.» ۲-

### دین به مثابه تضعیف‌کننده‌ی تضادهای اجتماعی

جدول (۷): خصلت تضعیف‌کننده‌ی تضادهای اجتماعی توسط دین

خصلت تضعیف‌کننده		ابعاد
چند سویه (دین در کنار دیگر عوامل)	یک‌سویه دینی	سویه‌های دینی تضعیف‌کننده
بعد مناسکی	بعد اعتقادی	ابعاد دینی تضعیف‌کننده

منبع: برگرفته از یافته‌های پژوهشی نگارندگان (محدثی، حسینی و تاج‌الدین، ۱۴۰۰)

۱. ساوجی، روستایی از توابع بخش خاومیرآباد شهرستان مریوان در استان کردستان ایران است. روستای ساوجی در نقطه‌ی صفر مرزی قرار دارد.

## ۷-۱) سویه‌های دینی

الف) یک سویه دینی

تضعیف‌کننده‌ی تضادها توسط دین گاهی یک سویه است، زیرا دین در قالب‌های اعتقادی، مناسکی، مذهبی، سیاسی و گروهی درمی‌آید. ممکن است تقویت‌کننده یا تضعیف‌کننده‌ی تضادهای اجتماعی باشد، مثلاً تضادی که در بین حاکمیت ایران و ناسیونالیست‌های کردستان وجود داشت، مذهب در پی عملکرد تضعیف این تضاد بوده است. در واقع جریان مکتب مفتی‌زاده برخلاف جریان‌های چپی در کردستان در فراندوم ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ شرکت کردند و طبق اعلامیه ۵ فروردین ۱۳۵۸ مردم را به شرکت در آن دعوت کرد. مفتی‌زاده بعد از چند ماه در ادامه‌ی تظاهرات خیابانی در شهر سنندج یک پیام تلفنی از تهران به سنندج می‌فرستد که از رادیو پخش می‌شود و به مردم سنندج هشدار می‌دهد که از هرگونه تظاهرات و راهپیمایی خودداری کنند، زیرا ضدانقلاب خودنمایی می‌کند (نیتسار، ۲۰۰۳: ۱۲). بنابراین اولین تضعیف‌کننده‌ی تضاد توسط مفتی‌زاده، تضاد بین حاکمیت و ناسیونالیست‌های کردستان بود.

دومین تضعیف‌کننده تضاد وی، کناره‌گیری احزاب و طرفداران خود (مفتی‌زاده) از درگیری بود که امکان وقوع داشت. عمده‌ترین علت ترک کردستان و هجرت به کرمانشاه، مسلح شدن گروه‌های غیر اسلامی در کردستان بود، چون مفتی‌زاده می‌گفت «متأسفانه آن‌ها (گروه‌های ناسیونالیسم) بیشتر ما را نشانه گرفته بودند...» در آخرین خطبه جمعه پیش از ترک کردستان که خودش علامه خطیب بود می‌گوید: «هجرت ما به خاطر اینکه در میان مردم کرد و به نام اسلام و غیر اسلام برادرکشی پیش نیاید و درحالی که گروه‌ها و اشخاص کرد غیرمسلمان و طرف ما مسلمانان، هنوز حجت برایشان کامل نشده است، ما ناچار شویم بجنگیم اینک من کردستان را ترک می‌کنم و هرکسی هم مسیر من است این کار را بکند. چون هر چند ما نخواهیم آنان را بکشیم آنان ما را خواهند کشت» (همان، ۱۳۸۴: ۳۷).

ب) چند سویه (دین در کنار دیگر عوامل)

گاهی تضادهای اجتماعی تضعیف می‌شوند، ولی این تضاد تنها مربوط به عوامل مذهبی نیست بلکه در کنار عوامل مذهبی، عامل یا عوامل دیگری قرار می‌گیرند. به‌عنوان مثال نظام جمهوری اسلامی با دو گرایش ملی و اسلامی در پی تضعیف تضادهای

موجود در کردستان بود. به‌مرور زمان این تنش‌ها ضعیف شد و ایده‌ی وحدت جهان اسلام و وحدت اقوام ایرانی را باعث شد (ترابی و مجیدی، ۱۳۹۳). لذا دین در کنار گرایش ناسیونالیسم ایرانی (تأکید بر زبان رسمی، لباس رسمی و...) دوعاملی هستند که منجر به تضعیف تضادهای اجتماعی قومی و دینی شده است.

### ۲-۷) ابعاد دینی تضعیف‌کننده

تضعیف‌کننده‌ی تضادهای اجتماعی توسط دین، به دو صورت اعتقادی یا مناسکی عمل می‌کند، هر چند این دو به هم مرتبط هستند ولی گاهی کاملاً منفک هستند. بعد اعتقادی تضعیف‌کننده تضادهای اجتماعی به این معنی است که فرد بر اساس باور و ایمانی که دارد سعی بر دوستی و ارتباط مسالمت‌آمیز با دیگران می‌کند که ممکن است در قالب‌های مختلفی همچون واجب، امر به معروف، شرک و... باشد. ولی بعد مناسکی به معنای آیین و مراسم‌هایی که فرد با توجیه مذهبی آن را اجرا می‌کند که ممکن است از لحاظ اعتقادی سست و ضعیف باشد ولی از لحاظ مناسکی بسیار پررنگ و فربه باشد که شاید بتوان آن را کارناولی شدن دین نامید.

#### الف) اعتقادی

چنانچه ذکر شد بعد اعتقادی دین، ممکن است تضادهای اجتماعی را از طریق امر به معروف، نهی از منکر، باور به حلال و حرام، شرک و کفر و... کاهش دهد و ارتباط انسان‌ها را از حالت خصمانه کاهش دهد. مثلاً می‌توان به اختلاف خلیفه ابراهیم (طریقت قادری) و شورای روحانیت (حاکمیت) در روستای نسل و گوشخانی اشاره داشت. پیروان این مکتب به وحدت وجودی معتقد هستند و به محبت و خدمت شهرت دارند. اگرچه در اصل از بین جنبلی‌ها برخاسته‌اند، تا حدود زیادی اهل تسامح بودند. در این طریقت به حفظ سنت و شعائر تأکید می‌شود. بخش اعظم پیروان طریقت‌های صوفیه در بالکان با توجه به عدم بهره‌مندی از منابع اصیل اسلامی و شیوخ واقعی در بسیاری از موارد به انحراف کشیده شده‌اند. این طریقت که اصالتاً متعلق به اهل سنت می‌باشد و از طریقت‌های اربعه اهل سنت می‌باشد، اما در میان مسلمانان پیروان بسیاری دارد. پیروان مکتب قادری قائل به سماع و وجد هستند و شادی جسم را سبب پاکی روح می‌دانند؛ با وجود اختلاف نظرها و اعتقادات با شورای روحانیت، این تضادها تضعیف شده است و با یکدیگر دارای تسامح هستند.

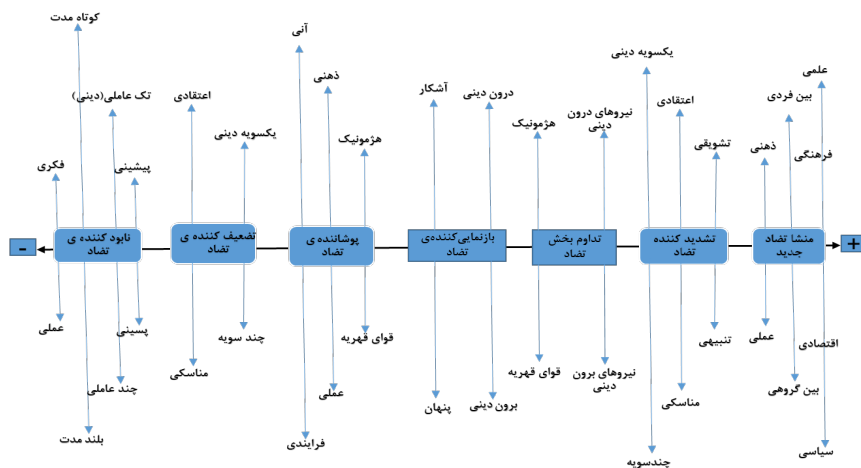
### ب) مناسکی

بعد مناسکی دین، گاهی تضادهای اجتماعی را خفیف و کاهش می‌دهد. به این معنی با برگزاری مراسم، انسان‌ها را به هم پیوند می‌دهد و تضادها را به بیشترین حد خود کاهش می‌دهد که این مناسک ممکن است در قالب رفتن به حج، عید، عاشورا و... باشد. مثلاً رسول (مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۵۴) روایتی در خصوص عید فطر بیان می‌کند: «عید فطر بود اغلب اهالی (میانسالان و ریش‌سفیدان) از فرقه‌های مذهبی و غیرمذهبی به خانه‌های همدیگر رفت و آمد می‌کنند و واسطه‌ها سعی می‌کنند آنان را آشتی دهند و جشن برگزار می‌کنیم.»

بنابراین با وجود آن که مناسک‌های اجتماعی گاهی منشأ تضادهای اجتماعی (به دلیل اختلافات در چگونگی برگزاری) هستند ولی گاهی این مناسک‌ها نیز کارکرد تضعیف تضادها را دارند.

بنابر آنچه تاکنون ذکر شده است یافته‌های پژوهش را می‌توان در قالب مدل زیر خلاصه کرد.

شکل (۴-۱): مدل یافته‌های پژوهش



منبع: برگرفته از یافته‌های پژوهشی نگارندگان (محدثی، حسینی و تاج‌الدین، ۱۴۰۰)

### ۵- نتیجه‌گیری

به‌طور کلی آنچه از یافته‌های پژوهش حاصل شد نمی‌توان گفت دین فقط تضادها را خلق می‌کند و یا فقط آن را تشدید می‌کند، بلکه گاهی در مقابله با تضادها قرار می‌گیرد و گاهی منجر به بروز تضاد می‌شود. مواجهه‌ی دین با تضادهای اجتماعی در کردستان بسیار پیچیده و چندوجهی است.

اگر وضعیت دین را در کردستان بر محور ریاضی‌وار ترسیم کنیم، می‌توان گفت یک سر این محور که اوج انسجام‌بخشی (نابودکننده تضادها) و سر دیگر این محور که تضادآفرینی باشد در میانه این محورها، دین مواجهه‌های گوناگونی با تضادهای اجتماعی داشته است (تضعیف‌کننده تضادها، پوشاننده تضادها، بازنمایی تضادها، تداوم بخشی به تضادها، تشدید تضادها). به این معنی هم می‌توان نظریه انسجام‌بخشی (کارکردگرایی) دورکیم و پارسونز (۱۹۹۲) را تصدیق کرد و هم نظریه تضادگرایی مارکس و دارندروف (۱۹۵۹). در واقع، این سنخ از تضادها در کردستان گاهی بین فردی و گاهی بین فرقه یا گروه‌های مذهبی با سکولار بوده است. گاهی این تضادها به صورت فکری و در قالب کشاکش در عقاید و باورها بوده است و گاهی این تضادها به صورت فیزیکی و نیروهای قهری نمایان شده است. گاهی این تضادها توسط دین، به صورت فرایندی و در بلندمدت تقویت یا تضعیف شده است و گاهی در کوتاه‌مدت و یا آنی بوده است.

در مواقعی این تضادها تنها توسط دین تضعیف یا تقویت شده است و در مواقعی دین با سایر امور اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هم‌افزایی کرده است. نکته قابل توجه آنکه محدثی (۱۳۹۹) در تقسیم‌بندی کاملی که از سنخ‌شناسی تضادهای اجتماعی مبتنی بر دین ارائه داده است، شش سنخ مذکور در کردستان یافت شده است. اما در کردستان سنخی از تضادهای اجتماعی مبتنی بر دین یافت شده است که در تقسیم‌بندی محدثی (۱۳۹۹) یافت نشده است و آن دین در نقش تضعیف‌کننده تضادهای اجتماعی است. یافته‌های این سنخ از نسبت دین و تضادهای اجتماعی همسو با لگر (۲۰۱۳) است و به این نتیجه رسید که دین از عناصر اصلی و عمده‌ی یکپارچگی و گسترده‌ی عمل متقابل اعضای جامعه و گروه با یکدیگر است و در تضعیف تضادهای اجتماعی نقش پررنگی داشته است.

به‌طور کلی، در کردستان نمی‌توان رویکرد خاصی را به دین در خصوص تضادهای

اجتماعی نسبت داد، دین هم عامل تضادها و هم عامل انسجام بخشی و حذف تضادها بوده است، هم تضادها را تشدید کرده است و هم تضادها را تضعیف کرده است. گویی دین، دال میان تهی است و هر تفسیری را ممکن می سازد و هر گونه مواجهی را با تضاد امکان پذیر می سازد. هم تقویت کننده و خالق تضادها است و هم پنهان کننده تضادها و هم نابودگر تضادهاست. در واقع تفسیرهای مختلف از دین، گاهی مبنای متفاوت از دین و گاهی تفاوت های ادیان مختلف، زمینه را برای تضادهای اجتماعی یا مقابله با تضادهای موجود فراهم می کند. گاهی عوامل دیگری در کنار دین، هم افزایی می کنند و زمینه را برای ایجاد یا مقابله با تضادها فراهم می سازند. گاهی روابط اجتماعی بین فردی یا بین گروهی را تقویت می کند و گاهی باعث گسست این روابط می شود و تضاد اجتماعی را تقویت می کند.

دین در قالب های مختلفی همچون بعد اعتقادی، رفتاری یا مناسکی به تضادها یا مقابله با این تضادها بروز و ظهور می یابد. گاهی دین با هژمونی شدن، روابط اجتماعی را تقویت یا دچار گسست می کند و گاهی دین پشتوانه ای قوی در قالب نظامی و قوای قهریه را خلق می کند و از این طریق می تواند به تقویت روابط یا گسست در روابط منجر شود. از آنجایی که دین نیروی قوی اعتقادی است و مبتنی بر ایمان و باورهای فردی است می تواند به راحتی به بسیج نیروهای مردمی منجر شود و تضادها با دیگری را تشدید کند، همان طور که دین نیروی بسیج کننده و منسجم کننده است، نیروهای تضادگرا و گسسته نیز می باشد.

مبتنی بر اسناد تاریخی و متن حاصل از مصاحبه ها، یافته های پژوهش نشان می دهد که طرفین تضاد، بر سر بیان حقیقت در کشاکش هستند. هر یک از آنان حقیقت را نزد خود می یابد و گروه هایی که با تفکر آنان مغایر هستند را گمراه، ناصواب و غیرنرمال تعریف می کنند. آنان در غالب موارد، خود را مأمور و ناجی دیگران می یابند تا آنان را آگاه کنند و آن ها را به سعادت و رستگاری برسانند و چنین تلقی باعث درگیری و کشاکش بین آن ها شده است. در واقع گروه های تضاد، رستگاری و سعادت را برای طرفین تضاد می خواهند، ولی این رستگاری و سعادت بیشتر به درگیری منجر خواهد شد. در این خصوص لازم است برای ایجاد تقریب و وحدت مذاهب و بازگشت اقتدار و همبستگی، با برنامه و انجام کارهای تشکیلاتی و اسازی از افراد نخبه ی بومی بهره برد. از



راهکارهای آن می‌توان به پرداختن جمعی از نویسندگان، فرهنگیان و دانشمندان به مسئله‌ی وحدت و تقریب جهان اسلام و تولید کتاب‌ها و دیگر آثاری دانست که در این زمینه باشد و فرقه‌های مذهبی را به همبستگی فراخواند، اشاره داشت، زیرا هر یک از طرفین درگیری خود را برحق می‌دانند و رستگاری را در عقاید، باورها و مناسک و رفتارهای خود می‌یابند.

همچنین لازم است جهت استقرار انسجام همگرایی بین فرق اسلامی و گذر از بحران‌های تضادی افراطی در کردستان، لازم است متون کلاسیک و قدیمی اسلامی توسط روحانیون دوباره بازخوانی شود. سیاستگذاران باید نهادهایی را تشکیل دهند و از آنان دعوت کنند به‌جای تکیه بر مفرقات مکتوب در متون کهن، موارد اتفاق فریقین اشاعه پیدا کند. این بازخوانی به‌ویژه در کتاب‌های تاریخی مرتبط با عصر خلفای راشدین، شروح مختلف کتاب‌های فقهی که در دوره‌های تاریخی مختلف نگارش یافته و بر مسئله‌ی تقریب و اتحاد امت اسلامی تأکید نموده، لازم است. از سویی انجام تحقیقات و انعکاس آن‌ها در قالب کتاب و مقاله جهت انعکاس آسیب‌هایی که مسلمانان در اثر اختلافات مذهبی در طول تاریخ متحمل شده‌اند نیز گامی جهت ایجاد زمینه‌های ذهنی در مسلمانان در راستای تکیه بر عوامل وحدت‌بخش به‌جای تفرقه است. به‌عبارت‌دیگر، بیان تجارب تلخ اختلاف‌ها می‌تواند راه را برای ساختن ذهنیتی در جهت بی‌فایده بودن تکرار آن مسائل هموار کند و به نظر می‌رسد می‌تواند زمینه را برای وحدت و تقریب مذاهب اسلامی فراهم نماید.

## منابع

- باغبان، مرتضی، آقاحسینی، علیرضا، سید جواد جمعه‌زاده (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر دینداری درونی و بیرونی بر انسجام ملی، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۴ (۱۴)، ۱۶۳-۱۸۳.
- بقالی، هاوژین (۱۳۹۸)، بررسی سازوکارهای تأثیرگذار دین بر هویت اجتماعی کردها (مطالعه موردی: سلفیسم در کردستان)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد دانشگاه الزهرا.
- پالس، دانیل (۱۳۹۲)، هفت نظریه در باب دین، ترجمه‌ی محمدعزیز بختیاری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- تاتار، حسنعلی و سروش فتحی (۱۳۹۵)، بررسی نقش دین بر همبستگی اجتماعی در بین شهروندان شهر تهران، پژوهش اجتماعی، ۸ (۳۰)، ۳۱-۶۴.
- تامسون، کنت و دیگران (۱۳۹۵)، دین و ساختار اجتماعی، ترجمه‌ی علی بهرامپور و حسن محدثی، تهران، نشر کویر.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و مراد کاویانی (۱۳۸۵)، نقش هویت قومی در همبستگی ملی (مطالعه موردی قوم بلوچ)، مجله‌ی پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، ۲۰ (۱)، ۴۶-۱۵.
- دلاویز، علی (۱۳۸۵)، احزاب و سازمان‌های اسلامی در کردستان (۲۰۰۶-۱۹۷۸)، فصلنامه‌ی زیربار، ۶۲ (۱)، ۹۹-۱۱۵.
- رایش‌باخ و همکاران (۱۳۹۰)، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه‌ی احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران، طرح نو.
- ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۷۷)، فرق و مذاهب کلامی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- ریترز، جورج (۱۳۹۵)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- سایت همشهری آنلاین (۱۳۹۹)، تجمع دروایش قادریه در مرز باشماق بدلیل درگذشت شیخ محمد کسنزانی، پیر طریقت قادریه.
- سراج‌زاده، سید حسین، قادرزاده، امید و جمیل رحمانی (۱۳۹۳)، مطالعه کیفی

- مذهب و قوم‌گرایی در میان گُردهای شیعه و سنی، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۵ (۴)، ۳-۲۹.
- عظیمی، کیومرث و محمدعلی چلونگر (۱۳۹۱)، پراکندگی فرق و مذاهب تشیع در کردستان، فصلنامه شیعه‌شناسی، ۱۰ (۳۹)، ۸۱-۱۰۰.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۶)، اتحاد و انسجام، زمینه‌های شکل‌گیری، زمانه، ۶۳ (۱۷)، ۳-۱۹.
- غلامی، نجفعلی (۱۳۸۶)، موانع پویایی اتحاد و انسجام، زمانه، ۶۳ (۱۷)، ۳۹-۶۴.
- فورشت، اینگر و پل رپستاد (۱۳۹۴)، درآمدی بر جامعه‌شناسی دین: چشم‌اندازهای کلاسیک و معاصر، ترجمه‌ی مجید جعفریان، ویراسته‌ی حسن محدثی گیلوایی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- قراگزلو، محمد (۱۳۸۶) ظهور و سقوط بنیادگرایی، تهران، قصیده‌سرا.
- قهاری، کیواندخت (۱۳۸۸)، به نقل از دوهفته‌نامه کردی روژیه لات (اعتراض علمای دینی مهاباد به نقض استقلال حوزه‌های دینی اهل سنت)، وبسایت دویچه وله.
- قهاری، کیواندخت (۱۳۹۲)، درگیری اخیر در کردستان و نقش گروه سلفی در آن، وبسایت دویچه وله.
- کانت، ایمانوئل (۱۳۹۵)، دین در محدوده عقل تنها، ترجمه‌ی صانعی دره بیدی، تهران، نقش و نگار.
- کوهن، استانفورد آلوین (۱۳۸۶)، تئوری‌های انقلاب، ترجمه‌ی علیرضا طیب، تهران، انتشارات قومس.
- مسعودی، عصمت و همکاران (۱۳۸۸)، بررسی تعارض از منظر مکتب اسلام و تئوری‌های مدیریت، اندیشه مدیریت، ۳ (۱)، ۱۳۳-۱۶۴.
- مطلبی، مسعود (۱۳۹۲)، عرصه‌های دین‌گرایی در فرهنگ سیاسی ایران معاصر، فصلنامه علمی مطالعات میان‌فرهنگی، ۷ (۱۸)، ۱۳۴-۱۰۵.
- مفتی‌زاده، احمد (۱۳۵۹)، کردستان، بی‌جا، انتشارات کمیته تبلیغات سازمان مسلمانان متعهد کردستان.
- مفتی‌زاده، احمد (۱۳۵۸)، من و انقلاب، تهران، بی‌نا.
- مفتی‌زاده، احمد (۱۳۵۹ ب)، بحثی کوتاه درباره حکومت اسلامی، سنج، بی‌نا.

- مفتی زاده، احمد (۱۳۶۱)، کنکاشی در زندگی سیاسی مفتی زاده، مجله جوان، شماره ۲۳، ۸۷-۹۱.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰)، انگیزه پیدایش مذاهب، قم، انتشارات هدف.  
- مهدوی، محمدصادق و افسانه رحمانی (۱۳۸۹)، شناسایی میزان دینداری و مقایسه آن در گروه‌های متفاوت شهروندان تهرانی، نامه پژوهش فرهنگی، ۳ (۱۱)، ۱۳۹-۱۶۵.  
- موحد، مجید، حمیدی زاده، احسان (۱۳۸۸)، علم و دین در آرای علوم اجتماعی: از تعارض تا تعامل، فصلنامه اندیشه دینی، ۱۱ (۳۲)، ۴۳-۷۴.

- همیلتون، ملکم، جامعه‌شناسی دین، ترجمه ی محسن ثلاثی، تهران، انتشارات تبیان.  
- همیلتون، ملکم (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی دین، مترجم: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات ثالث.

- یزدی، ابراهیم (۱۳۸۳)، ناگفته‌های کردستان از زبان وزیر امور خارجه دولت موقت دکتر ابراهیم یزدی در گفتگو با روزنامه آشتی، آشتی، ۲ (۲۲)، دوشنبه ۲۴ اسفند.  
- یزدی، علیرضا (۱۳۹۰)، نقش نهاد دین در همبستگی اجتماعی، روزنامه‌ی ایران، ۱۵ آبان ۱۳۹۰، شماره ۴۹۳۳.

- ئیتسار، نادر (۲۰۰۳)، نه‌ت‌ه‌وایه‌تی کوردی، وه‌ر گیرانی عه‌تا قه‌ره‌داغی، سلیمانی، چاپخانه‌ی قائم.

- Coser, Lewis. A (1957). Social Conflict and the Theory of Social Change. The British Journal of Sociology, Vol. 8, No. 3. (Sep., 1957). pp. 197-207.

- Dahrendorf, Ralph. (1959). Class and Class Conflict in Industrial Society. Stanford: Stanford University Press.

- Leger, D. H. (2013). 'The Role of Religion in Establishing Social Cohesion' in K Michalski (Ed). Conditions of European Solidarity, vol II: Religion in the New Europe (Central European University Press, Budapest.

- Maduro, Otto (1982). Religion and Social Conflicts. Maryknoll, NY: Orbis Books.

- Reychler, L. (2007). Religion and conflict, international Journal of Peace Studies. 2 (1). 19-38.

- Storm, Ingrid. (2011). Secular Christianity as National Identity: Religion, Nationality and Attitudes to Immigration in Western Europe". A PhD Thesis OF Social Sciences at Manchester University.

- William F. S. M. & David A. R. (2016). Nationalism versus Ethnic Identity in Sub-Saharan Africa", the American Political Science Review. 85 (2). 393- 403.